مدیریت برآموزش سازمانها سال سیزدهم، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۳ شماره صفحه ۱۲۳-۹۱

ارایه مدل دانشگاه آینده با رویکرد دانش افزایی

حمیرا امینی، دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.
***ترانه عنایتی،** دانشیار، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.
کیومرث نیازآذری، استاد، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

چکیده

هدف پژوهش ارائه مدل دانشگاه آینده با رویکرد دانش افزایی بود، روش پژوهش کیفی مبتنی بر رویکرد داده بنیاد بود. مشارکت کنندگان پژوهش شامل اساتید و مدیران سطوح عالی دانشگاه های آزاد بودند، که از طریق روش نمونه گیری هدفمند تعداد ۱۰ نفر بعنوان مطلعین کلیدی انتخاب شدند، برآورد حجم نمونه مورد نظر بر مبنای اشباع نظری داده‌ها انجام شد. داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه ساختار یافته گردآوری شد. اعتبار و روایی داده‌ها از سه روش بازبینی بازخورد مشارکت‌کننده، تکنیک زاویه بندی کریستینسن و ناظران بیرونی استفاده گردید. داده‌ها بوسیله کد گذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل شدند، تعداد ۹۹ کد باز (مفاهیم)، ۱۹ کد محوری (ابعاد و مولفه‌ها) و ۶ کدانتخابی(مقوله‌های اصلی) احصاء شد، یافته‌های پژوهش نشان داد که مقوله‌های عمده و هسته‌ای در قالب ابعاد شش گانه شرایط علّی از جمله(شرایط ساختاری، شرایط فرهنگی، فرایندهای دانشگاهی، ویژگی های خبرگان دانشگاهی)، پدیده محوری(برنامه ریزی مشارکتی، رهبری آینده نگر، مسئله محوری، توسعه دانشگاهی)، شرایط زمینه ای(کارآفرینی دانشگاهی و افزایش نقش اقتصادی دانشگاه، مشارکت دانشجویان، تعامل آزاد نهادهای علمی در عرصه بین المللی، زیرساخت لازم جهت توسعه دانشگاه آینده)، شرایط مداخله‌گر (مدیریت حرفه ای و شایسته گرایی، قوانین و مقررات آموزش عالی، اعتبارات و منابع مالی دولتی)، راهبردها اصلاح ساختار مدیریت نظام آموزش عالی،نهادینه سازی آینده پژوهی) و پیامدها(پیشرفت عملکرد، تحکم نقش نظام آموزش عالی) به سطح انتزاعی بالاتر ارتقاءداده شد و در نهایت مدل پارادایمی پژوهش ارائه گردید.

واژگان کلیدی: دانشگاه آینده، دانش افزایی، اعضای هیات علمی.

* نویسنده مسئول: tenayati@yahoo.com
دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۴/۲۳ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۸/۲۵

[Downloaded from mail.journalieaa.ir on 2026-11-26]
[DOI: 10.61186/meo.13.4.91]

Managing Education in Organizations Vol.13/No.4/ Winter 2025 Page 91-123

Presenting the model of the future university with a knowledge-enhancing approach

Hamira Amini, PhD student in Educational Management, Department of Educational Sciences, Faculty of Humanities, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran.

*__Taraneh Enayati,__ Associate Professor, Department of Educational Sciences, Faculty of Humanities, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran.

Kiyomarth Niazaziri, Professor, Department of Educational Sciences, Faculty of Humanities, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran.

Abstract

The purpose of the research was to present the future university model with a knowledge-enhancing approach, the qualitative research method was based on the Grounded theory approach. The participants of the research included professors and managers of higher levels of Azad universities, who were selected as key informants through the purposeful sampling method of 10 people, the estimation of the desired sample size was done based on theoretical data saturation. Data were collected through semi-structured interviews. The reliability and validity of the data were used through three methods of participant feedback review, Christiansen's angle technique, and external observers. The data were analyzed by open, central and selective coding, the number of 99 open codes (concepts), 19 central codes (dimensions and components) and 6 selective codes (main categories) were counted. The research findings showed that the major and core categories in The format of six dimensions of causal conditions including (structural conditions, cultural conditions, academic processes, characteristics of academic experts), central phenomenon (participatory planning, forward-looking leadership, central issue, academic development), contextual conditions (academic entrepreneurship and increase The economic role of the university, students' participation, free interaction of scientific institutions in the international arena, necessary infrastructure for the development of the future university), intervening conditions (professional management and Laws and regulations of higher education, government credits and financial resources), strategies for reforming the management structure of the higher education system, institutionalization of future research) and consequences (improvement of performance, control of the role of the higher education system) were upgraded to a higher abstract level and finally the research paradigm model Presented.

Keywords: Future University, Knowledge Enhancement, Faculty Member.

* Corresponding author: tenayati@yahoo.com

Receiving Date: 13/7/2024 Acceptance Date: 15/11/2024

[Downloaded from mail.journalieaa.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/meo.13.4.91]

مقدمه

تحولات عصر اطلاعات و ظهور جامعه دانش بنیاد و توده گیر شدن آموزش عالی[۱] با توجه به ماهیت مشتری گرایی آن به همراه بین المللی شدن حساسیت ذی نفعان را در سطح جهانی نسبت به پذیرش کیفیت آموزش عالی در محیط پویا افزایش داده است و منجر به تبدیل شدن مسئله کیفیت آموزش عالی به یکی از مرکزی ترین مفاهیم اصلی و کانون تمرکز سیاست نهادها و دولت ها در حوزه آموزش عالی شده است(Bertaccini & et al., 2020).

در ایران نیز، بسط و گسترش آموزش عالی در سه دهه اخیر و رویکردهای جدیدی که در زمینه ارائه خدمات آموزشی و پژوهشی و کمک آموزشی و پژوهشی و رقابت های در سطح ملی و منطقه ای در پی داشته است؛ دانشگاه ها را به سازمان های پیچیده تری مبدل ساخته و به تبع آن به مباحث مربوط به کیفیت در نظام های علمی اهمیت خاصی بخشیده است(Beheshtirad, 2017). در سطح ملی محققان به این موضوع توجه داشته اند و ارزیابی را به عنوان یکی از کارکردهای نظام مدیریت آموزش عالی و به عنوان حلقه ای از چرخه کنش و برنامه ریزی در سیستم دانشگاهی و ساز و کاری جهت تأیید صلاحیت، تخصیص عقلایی اعتبارات و اطمینان از پاسخگویی به مطالبات ذینفعان و کنشگران و در نهایت تحقق مقاصد مورد بحث قرار داده اند؛ هر چند محققان معتقدند این فعالیت ها با نگاه کل گرا و نظام مند توأم نبوده اند و اثربخشی مورد انتظار را نداشتند(Mohammadi & et al., 2015).

همراستا با تغییر و تحول نهادهای جامعه و به دلیل ضرورت های تقاضا گرایی و همسازی با انتظارات نوپدید، سرعت تغییرات محافل علمی و دانشگاه ها نیز بیشتر شده است؛ بدین صورت که اغلب کشورهای جهان برای هماهنگ تر کردن نظام های آموزش عالی و برنامه های دانشگاهی با نیازهای توسعه ای و تحولات جهانی، در مطالبهٔ دانش افزایی[۲] هم صدا شده اند (Clarke & Holt, 2017). حاصل این امر آن بوده است که در چند سال اخیر کوشش های قابل توجهی در سطح بین المللی نسبت به ارزیابی سطح کیفی تولید دانش دانشگاه ها و سایر مراکز آموزش عالی در برخی کشورهای جهان به عمل آمده است (Van Damme, 2020). در سطح ملی نیز نتایج مطالعات محققان حاکی از ضعف ساز و کارهای ارزیابی و اعتبارسنجی تولید دانش در دانشگاه های کشور می باشد که به صورت یک مسئله ملی برای خبرگان و متخصصان مطرح شده است. این در حالی است که تولید دانش در دانشگاه ایران به طور درون زا نظام نیافته و دانشگاه ها چه در پاسخ به التزامات رو به تزاید اجتماعی و چه به اقتضای وابستگی هر چه بیشتر برنامه ها بر پایه دانایی به طرز فزاینده ای با سیطره سیاست های توسعه کمی گرایی مواجه شده

۱. Higher Education
۲. Enhancing Knowledge

[Downloaded from mail.journalieaa.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/meo.13.4.91]

اند(Ferasatkhah, 2015). لذا یکی از کانونی ترین چالش های آموزش عالی کشور در سال های اخیر مسئله دانش افزایی می باشد (Beheshtirad, 2017). از عوامل کلیدی که دانشگاه های هوشمند قرن بیست و یکم را از هم متمایز می‌سازد، تأکید بر دانش و اطلاعات است. برخلاف گذشته، دانشگاه های امروزی دارای تکنولوژی پیشرفته بوده و نیازمند تسخیر، مدیریت و بهره‌برداری از دانش و در نهایت دانش افزایی به منظور بهبود کارآیی، خدمت بهتر دانشجویان، مدیریت تغییر و پیگیری تغییرات پایان‌ناپذیر هستند (Hu & et al.,2019). دانش افزایی یک دیدگاه برنامه‌ریزی شده و ساختارمند برای ایجاد، به اشتراک‌گذاری و توسعه دانش به عنوان یک دارائی سازمانی برای ارتقا توانمندی، سرعت و اثربخشی سازمان در ارائه محصولات یا خدمات برای ذی نفعان در راستای استراتژی کلیدی سازمان می‌باشد (Xie & et al., 2018). دانش افزایی ابزار مهمی است که دانشگاه ها از طریق آن بهتر می توانند اطلاعات و دانش را مدیریت کنند و برای کسب مزیت رقابتی پایدار می تواند به عنوان یک راهبرد کلیدی مورد استفاده قرار گیرد (Horng & et al., 2020). تئوری‌پردازان بزرگ اقتصادی و تجاری، دانش افزایی را به عنوان مزیت رقابتی نهایی برای دانشگاه ها و کلید پیروزی آن‌ها بیان کرده‌اند و استدلال می‌کنند که دانش تنها منبعی است که تقلید یا کپی نمی شود (Velásquez & Lara,2021).

عامل اصلی ظهور فراگفتمان دانش افزایی را می توان در تحولات و روندهای جهانی چند دهه اخیر نظام های آموزش عالی جستجو کرد. در عصر جهانی شدن و ورود به عصر دانایی آموزش عالی به طور فزاینده ای به مرکزی جهت توسعه اقتصادی، سیاسی و بستری برای حاکمیت شرایط تجاری، محیط رقابتی و افزایش سطح تقاضا (چه در سطح اجتماعی و چه در سطح دولت و بنگاه) مبدل گشته است و این امر به نوبه خود فرادید ذی نفعان و عاملان را از زاویه مسئله دانش افزایی در سطح فرایندها، بروندادها و ارزش افزوده آن مورد بازسازی قرار داده است (Mitchell&Nielsen, 2021). روندهای مذکور از یک طرف سبب دگرگونی های سازمانی نظیر استقلال و خود تنظیمی مراکز آموزش عالی شده و از طرف دیگر تقاضا برای دانش افزایی این مراکز را افزایش داده است. کشورهای مختلف جهت پاسخگویی به چالش های فوق الذکر از یک سو به سمت خود تنظیمی و استقلال دانشگاهی حرکت کرده و از سوی دیگر ساختارها و مکانیزم هایی دانش افزایی را طراحی نموده اند. ایجاد مکانیسمی برای دانش افزایی در راستای توسعه پایدار امری اجتناب ناپذیرهست، زیرا دانشگاه ها از جمله مهم ترین نهادهایی هستند که جوامع جهت رشد و توسعه به آنها نیاز دارند لذا پاسخگویی و بهبود کیفیت در آن ها الزامی است (Parvin & et al., 2014). بررسی ها نشان می دهد که نظام آموزش عالی و دانشگاه ها در کشور ایران از نظر دانش افزایی در سطح مطلوب و قابل قبولی قرار ندارد و نتایج مطالعات در خصوص کیفیت دانش افزایی در دانشگاه نشان از کیفیت پایین آن می باشد (Beheshtirad, 2017).

دانشگاه آینده ساختارها و فرایندهایی را در بر می گیرد که در آینده محقق می شود، در واقع به عنوان یک فرایند تعریف شده است که در آن یک دانشگاه در ایجاد چشم انداز مطلوب آینده برای رسیدن به اهداف

[Downloaded from mail.journalieaa.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/meo.13.4.91]

گروه و یا سازمانی در تلاش می باشد. این نوع از دانشگاه در تلاش برای یافتن راه های ایجاد مزیت های رقابتی پایدار برای نظام آموزشی هستند. همچنین در صدد توسعه فعالیت هایی هستند که از طریق آن توسعه فضای اجتماعی در ساختار دانشگاهی ممکن می شود (Schüll, 2019). دانشگاه آینده، دانشگاهی است که در تعامل و تبادل با جهان دیجیتال و فضای مجازی، در تلاش برای همسانی مکان، فیزیک و محیط دانشگاه برای اثربخشی آموزش و یادگیری و جامعه پذیری فراگیران است، این دانشگاه بخش مهم و در خور توجهی از نقش ها و کارکردهای را به محیط و زیست بوم جدید اجتماعی، علمی و فنی برآمده از فضای مجازی که در بیرون از دانشگاه کنونی قرار دارد، جستجو می کند (Spring, 2018). دانشگاه آینده به عنوان سهامداران اصلی در نظر گرفته می شوند که قادر به ایجاد تحول اجتماعی هستند. جایگاه آنها به آنها امکان می دهد رهبران آینده را آماده کنند، دانشی تولید کنند که زیربنای رشد اقتصادی پایدار و صنایع پایدار است، خود را به سازمان های پایدار تبدیل کنند و به طور قابل توجهی پایداری را به عنوان یک ارزش در سیستم های حاکمیت منطقه ای گنجانده باشند. به این ترتیب آنها می‌توانند ابزارهای کلیدی رهبری و تحول فکری اجتماعی باشند (Bangani, 2018).

مشکلاتی که دانشگاه امروزی با آن روبه‌رو است بسیار زیاد است و شامل بی‌کاری و غیرفعال‌سازی نیروی کار دانشگاه، حملات بی‌امان افراطی گرایان، دهه‌ها عدم سرمایه‌گذاری دولتی و افزایش هزینه‌های شهریه توسط دانشجویان و گسترش نگران‌کننده مدیریت شرکت‌ها است که به نظر می‌رسد تا حد زیادی وجود دارد. تا فرهنگ بطلان خود را تداوم بخشد. علاوه بر این، دانشگاه ها در دوره ای از سرمایه داری غارتگر و فاشیسم در حال ظهور زندگی می کنند که بافت اجتماعی را می خورد و در نژادپرستی وحشتناک، زن ستیزی و خشونت ظاهر می شود. عصر سرعت، بی‌حسی و دستکاری الگوریتمی است. عدم تقارن گسترده مسئولیت و آسیب پذیری، افقی از بی ثباتی زیست محیطی را نشان می دهد. همه این جنبه های کنونی چالش هایی برای دانشگاه و همچنین مشکلاتی برای دانشگاه هستند. علیرغم احساس ناامیدی غالب، پژوهشگران اعتقاد دارند که می توان دانشگاه را به عنوان دخیل در طیفی از تخیلات و فرآیندهای امپراتوری شناخت و در عین حال از ایده دانشگاه به عنوان مکان و زمان مطالعه، تفکر، مراقبت و دفاع دفاع کرد. بالقوه آینده دانشگاه، اگر اصلاً آموزش معنایی داشته باشد، لزوماً باز و بلاتکلیف است (Means & Slater, 2023).

یکی از عوامل کلیدی که سازمان های هوشمند قرن بیست و یکم را از هم متمایز می سازد، تأکید بر دانش و اطلاعات است. برخلاف سازمان های گذشته، سازمان های امروزی دارای تکنولوژی پیشرفته بوده و نیازمند تسخیر، مدیریت و بهره برداری از دانش اطلاعات به منظور بهبود کارآیی، خدمت بهتر مشتری، مدیریت تغییر و پیگیری تغییرات پایان ناپذیر هستند (Sang & et al., 2020). دانش افزایی ابزار مهمی است که سازمان ها از طریق آن بهتر می توانند اطلاعات و دانش را مدیریت کنند. برخلاف دیگر تکنیک ها، تعریف دانش افزایی اغلب آسان نیست، زیرا حوزه وسیعی از مفاهیم، وظایف مدیریتی، تکنولوژی و

[Downloaded from mail.journalieaa.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/meo.13.4.91]

اقدامات را با خود به همراه دارد، از طرف دیگر تغییرات سریع در تکنولوژی کامپیوترهای شخصی و ارتباطات الکترونیکی در طی دهه گذشته این توانایی را ایجاد کرده که بتوان اطلاعات را خلق، گردآوری، دست کاری، ذخیره و انتقال داد. امروزه یک واقعیت است که انتقال حجم عظیمی از اطلاعات روزانه از طریق اینترنت و دیگر ابزارهای ارتباطی صورت می گیرد (Akhavan & Bagheri, 2018).

دانش افزایی کسب دانش است، برای افراد مناسب، در زمان صحیح و مکان مناسب، به گونه ای که آنان بتوانند برای دستیابی به اهداف سازمان، بهترین استفاده را ببرند (Tabrizi, 2018). یک دیدگاه برنامه-ریزی شده و ساختارمند برای ایجاد، به اشتراک‌گذاری و توسعه دانش به عنوان یک دارائی سازمانی برای ارتقا توانمندی، سرعت و اثربخشی سازمان در ارائه محصولات یا خدمات برای ذی نفعان در راستای استراتژی کلیدی سازمان می‌باشد (Xie & et al., 2018).

به نظر لئو و همکاران (Luo & et al., 2020) دانش افزایی یک رویکرد سیستماتیک یکپارچه جهت شناسایی، مدیریت و تسهیم تمام دارایی‌های اطلاعاتی سازمان است که شامل بانک‌های اطلاعاتی، مدارک، سیاست‌ها و رویه‌ها است.به نظر هوانگ و همکاران (Huang & et al., 2020) دانش افزایی یک محیط کاری جدید ایجاد می‌کند که دانش و تجربه به آسانی می‌توانند به اشتراک گذاشته شوند و همچنین اطلاعات و دانش را فعال می‌کند تا به سمت افراد واقعی و در زمان واقعی جریان یابند تا آن‌ها بتوانند مؤثر و کاراتر عمل نمایند. دانش افزایی فرایندی است که بواسطه آن سازمانها در زمینه یادگیری، کدگذاری دانش و توزیع و انتقال دانش مهارتهایی را کسب می کنند (Gold &et al., 2013). در تعریفی دیگر دانش افزایی یعنی ایجاد فرایندهای لازم برای شناسایی و جذب داده، اطلاعات و دانش های مورد نیاز سازمان از محیط بیرونی و درونی و انتقال آنها به تصمیمات و اقدامهای سازمان و افراد (Guo & et al., 2020).

Shafaei & et al (2023) در پژوهشی با هدف بررسی تاثیر شاخص های توسعه آینده پژوهی مدیریت دانش در دانشگاه های آزاد اسلامی استان تهران گزارش کردند که توسعه آینده پژوهی مدیریت دانش دارای ۶۷ گویه در ۱۴ عامل و ۶ بعد ساختار سازمانی و زیرساخت فناوری اطلاعات به عنوان عوامل علی، بسترهای فرهنگی موثر بر توسعه آینده پژوهی و راهبردهای مدیریتی به عنوان عوامل زمینه ساز، همسویی دانشگاه با نیازهای تحولی جامعه و سیاست گذاری های آموزش عالی به عنوان عوامل مداخله گر، خلق دانش، تسهیم دانش، به کارگیری دانش و ذخیره سازی دانش به عنوان پدیده محوری، تحول در سیستم آموزشی و نهادینه شدن آینده نگاری و خط مشی گذاری به عنوان راهبردها و توسعه هوشیاری سازمانی و بهره وری نیروی انسانی به عنوان پیامدها بود. در پژوهش Khorshidi Hossini (2020) به تاکید نقش و جایگاه تصویرپردازی در آینده پژوهی دانشگاهها، به مطالعه علل، زمینه، راهبرد، پیامدها و ... وارد شده بر دانشگاهها پرداخته است چرا که در جهان دارای عدم قطعیت های اساسی، تصویرپردازی می تواند شیوه و روشی مناسب برای متأثر ساختن اقدامات کنشگران و حتی شناخت دقیق رفتار و کنش و واکنش آنها، و در

[Downloaded from mail.journalieaa.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/meo.13.4.91]

مرحله ای بالاتر، ساخت آینده باشد، و این نکته که ارزش اصلی تصاویر در توانایی شان برای برجسته ساختن روندها و تغییرات مهم در زمان حال است. در مطالعه Naghdi &et al (2020) مشخص شد که مؤلفه های آموزش و توسعه سرمایه انسانی در گذر از دانشگاه سنتی به دانشگاه آینده به روش آمیخته شامل آموزش دهنده فعال، خلاق و خودراهبر، شکاف دهنده ارتباطات و مشارکت سازمند، بازآفرینی اخلاقی و ارزشی، عدالت گستر، تربیت کننده سرمایه انسانی فرهیخته، پرورش دهنده نیروی کار منعطف و پویا، نخبه گرا، تربیت کننده کنشگر فعال را برای مضمون فراگیر با عنوان مدیریت سرمایه انسانی دانشگاه آینده می باشد. در پژوهش Bikzadeh & et al (2020) با هدف نقش مرجعیت علمی و آینده نگری در توسعه دانشگاه های نسل چهارم، آینده نگری بیشترین تاثیر را در توسعه دانشگاه نسل چهارم دارد. در پژوهش Amin Bidokhti & et al (2015) با رویکرد آینده پژوهی تغییرات رویکردی آموزش عالی در توسعه سرمایه انسانی کشور، یک سناریو غالب سرمایه انسانی کشور در افق ۱۴۱۰ باید علاوه بر شایستگیهای مورد تأکید امروز، از توانمندیهای کلیدی دیگر برخوردار باشند. مهم‌ترین این موارد بدین‌شرح شناسایی شدند: تفکر برتر (تفکر غالب به‌جای تفکر خنثی یا مغلوب)، توان بالا در تشخیص صحیح مسائل (قوه مسئله بینی) و توان بالا در برقراری ارتباطات و کارگروهی در ابعاد فراسازمانی. همچنین مشخص شد که توسعه این توانمندی ها در عموم تحصیل‌کردگان در کنار توسعه آنها در نخبگان اهمیت ویژه‌ای دارد. صرف‌نظر از ضرورت اصلاحات و تحولات ساختاری و محتوایی در دانشگاهها، می‌توان با اتخاذ برخی از رویکردهای آموزشی در خصوص تأمین هر چه بیشتر شایستگی های مورد نیاز نسل های آتی گام هایی برداشت. سوق دادن شیوه‌های‌آموزش دانشگاهی به سمت مسئله محوری و سوق دادن تکالیف، پروژه‌ها و امتحانات برخی از دروس از حالت انفرادی به گروهی از توصیه‌های مشخص این پژوهش به‌شمار می‌رود.

Ashilova (2023) در پژوهشی تحت عنوان آینده دانشگاه: چهار مدل توسعه، بیان داشت که توسعه اقتصاد بازار، همه‌گیریCOVID-19 ، جهانی شدن، دیجیتالی شدن، توسعه حوزه آنلاین، بحران ارزش‌ها و بسیاری از عوامل دیگر در تغییر نقش دانشگاه‌ها در دنیای مدرن نقش دارند. در حالی که تعدادی از محققان بر این باورند که پس از یک پاندمی طولانی مدت، محور آموزش عالی جهان به دوره سنتی سابق خود باز خواهد گشت، برخی دیگر مطمئن هستند که دانشگاه ها به زودی به طور کلی ناپدید می شوند و دوره های آنلاین عظیم را به زیر آب می برند. هدف اصلی این پژوهش، تحلیل و ارائه سناریوهای اصلی توسعه دانشگاه‌ها در آینده بر اساس تحقیقات فیلسوفان برجسته و نیز برجسته‌سازی چشم‌اندازهای کلی توسعه آموزش عالی است. روش های اصلی این آینده پژوهی، تحلیل محتوای ادبیات تحقیق، روش توصیفی سناریوهای آینده و نیز تحلیل تاریخی و فلسفی آنهاست. پژوهش از نوع مروری و نظری است. نتایج و بحث‌ها، چهار «ایده» اصلی دانشگاه را ارائه می‌کند که اهداف و مشروعیت اجتماعی آن امروزه در جامعه به عنوان واقعی و غیرقابل انکار پذیرفته شده است.(Nalda &et al (2022 در پژوهشی گزارش کردند که با توجه ویژه به مدیریت دانشگاه ها و رهبران آینده مدار از دیدگاه استراتژیک

[Downloaded from mail.journalieaa.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/meo.13.4.91]

آموزشی، عوامل اصلی تحول دیجیتالی موفق در نظام های آموزشی از طریق استفاده از منابع دیجیتال آموزشی[1] می باشد، بنابراین سیاست های آموزشی تحول دیجیتال باید با در نظر گرفتن عواملی مانند سن آنها یا تجربه تدریس و رهبری، آینده نگری مدیران مورد تاکید قرار گیرد. Brown (2015) در پژوهشی تحت عنوان تهدیدها و فرصت های نظام آموزش عالی کلان نیروهای پیشران اثر گذار بر آموزش عالی از جمله رشد اقتصادی، سطوحی از سرمایه گذاری دولتی، ضوابط دولتی، هم بخشی فردی به هزینه های تحصیلی، سهم کارفرما در هزینه های تحصیلی، یادگیری تکنولوژی محور، عکس العمل طرف عرضه و افزایش رقابت نام برده و سه سناریو شامل انطباق تدریجی با تغییرات، رقابت در عرصه بازارمحوری شدن نظام آموزش عالی و یادگیری منعطف کارفرما محوربرای آموزش عالی ارائه دادند. Milojević (2014) در پژوهشی تحت عنوان واقعیت افزوده، دموکراتیزه کردن آموزش عالی: آینده های جایگزین آموزش عالی در مالزی، چند گام علمی جهت ترسیم چشم انداز آینده ارائه دادند که عبارتند از: الزامات تغییر فرهنگ در آموزش عالی و ایجاد دانشگاه فراملی، افزایش شفافیت و شبکه های دموکراتیزه جهانی در نظام های آموزش عالی، حمایت جامع از رهبران آکادمیک، دادن استقلال بیشتر به دانشگاهیان، سیاست زدایی و انسانی کردن آموزش عالی، تشکیل جلسات مشترک با هدف تفاهم بین دانشگاه و صنعت با تأکید بر تجاری سازی پژوهش های دانشگاهی و بر هم افزایی اجتماعات یادگیری، بازنگری در چارچوب غالب شاخص های ارزیابی و ایجاد همکاری متقابل با ذینفعان و همتایان داخلی و خارجی در نظام آموزش عالی. Irfan & Malin (2012) در پژوهش خود تحت عنوان آینده آموزش عالی تا سال ۲۰۲۵ در جامعه توسعه جنوب آفریقا پیشران های کلیدی و زمینه ای شکل دهنده به بافت نظام آموزش عالی جهت ارائه سناریوها را در طیف وسیعی از جمله مجریان نظام آموزش عالی، شوک تکنولوژی، محیط سیاسی، پاسخگویی سیاسی و دامنه سرعت رشد اقتصادی عنوان کردند که از بین این پیشران ها، دو فاکتور اثرگذار به عنوان محور اصلی شکل دهنده ها بیان شدند که عبارتند از انقلاب تکنولوژی در دو پیوستار (قابلیت دسترسی و عدم دسترسی) و قابلیت های عوامل انسانی در دو پیوستار (توانگری و ناتوانی) که مبنایی برای تفکر سناریو و توسعه فرایند برنامه ریزی می باشند. مخرج مشترک شکل دهنده های فوق منجر به تمایز چهار سناریو شدند. Roşca & Păunescu (2010) در پژوهشی با عنوان شکل دهنده های آینده آموزش عالی: چالش ها و عوامل پیش برنده عنوان کردند که چالش های پیش روی نظام های آموزش عالی که بر آینده نظام های آموزش عالی می تواند اثر بگذارد عبارتند از: عدم تطابق و توزان لازم بین محتوای آموزش های ارائه شده از سوی دانشگاه ها با نیازها و تقاضاهای دیرپای بازارهای جهانی و نیروی انسانی، عدم سیاست تمرکز زدایی و فقدان ضرورت تنظیم اشکال جدیدی از برنامه های آموزشی جایگزین به جای برنامه های

[1] . Educational digital resources

[Downloaded from mail.journalieaa.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/meo.13.4.91]

آموزشی سنتی، کاهش عددی نفوس به عنوان یک نتیجه از کاهش نرخ تولد و پیر شدن جمعیت همراه با مهاجرت و جابه جایی از محیط زیست روستایی به شهری که منجر به حفظ سیستمی با شرایط ناکارامد غیر کاربردی می شود، رشد واگرایی و عدم پوشش جمعیت در دسترسی به آموزش در نتیجه شکاف بین درآمد سرانه اقشار، تصدگی گری و تولی گری سیستم های سیاسی قانون گذار ناکارامد در معیارگذاری های آموزش عالی، نیاز به بازسازی و توجه به برنامه های انکوباتوری- زایشی در زمینه های انرژی تجدید پذیر در محتوای برنامه های نظام های آموزش عالی با در نظر گرفتن نیاز محیط زیست جهت دستیابی به اهداف زیست محیطی همگام با توسعه علم و فناوری و وسایل حمل و نقل سازگار با محیط زیست جهت حصول اطمینان از حفاظت محیط زیست در راستای کاهش میزان آلاینده ها و بهبود شرایط در سیاره. Finn & et al (2007) با مطالعه ای تحت عنوان آینده دانشگاه: مسیر، شکل و ارائه آموزش عالی در دانشگاه آینده با هدف شناسایی روندهای کلیدی اثر گذار بر آموزش عالی پیشران های اثرگذار بر آینده نظام های آموزش عالی را ارائه دادند که عبارتند از بافت جمعیت شناسی، عوامل اجتماعی، فناوری، حکومتی، جهانی شدن، اقتصادی و محیط زیستی.

حال سؤال اساسی این است، آیا می توان به بقاء هر چند نسبی کیفیت دانش این نهاد اساسی اثرگذار در تعالی جوامع بشری به منظور خلق آینده مطلوب در شرایط رقابتی و بی ثبات روز افزون دنیای امروزی امیدوار بود؟ استدلال اصلی مطالعه حاضر آن است که در عرصه ای که تغییر و دگرگونی بنیادین، اصل لایتغیر آن به شمار می آید، تداوم حیات کیفی دانشگاه در گرو تلاش مستمر برای انطباق با شرایط دائماً در حال تحول و تکاپوی بی وقفه برای یافتن جایگاه مناسب با اهداف عام و اصلی این نهاد است. توجه به مطالب مطرح شده و نظر به تأکید برخی از اسناد بالادستی از جمله نقشه جامع علمی کشور و از آنجا که گسترش دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی در کشور در دهه گذشته بدون توجه به کارکردها، چالش های موجود و توجه به مسأله دانش افزایی و کیفیت آن صورت گرفته است، این مسأله مهم مطرح می شود که با توجه به پیچیدگی های نظام دانشگاهی و توسعه آن و نیاز مبرمی که جهت دانش افزایی در آموزش عالی احساس می شود، دانشگاه های آینده ایران چگونه می تواند دانش افزایی داشته باشند، با درک آنچه که مطرح شد هدف پژوهش حاضر پاسخگویی به این سؤال می باشد که مدل دانشگاه آینده[1] با رویکرد دانش افزایی چگونه می باشد؟

[1] . Future University

[Downloaded from mail.journalieaa.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/meo.13.4.91]

روش پژوهش

با توجه به اینکه این پژوهش تلاش دارد تا با واکاوی مسئله از دیدگاهای مختلف و بررسی تجربیات صاحب نظران، بررسی ژرفی از دانشگاه آینده با رویکرد دانش افزایی داشته و الگوی مناسبی ارائه کند، از روش داده‌بنیاد استفاده شد. مشارکت کنندگان پژوهش در بخش کیفی شامل اساتید و مدیران سطوح عالی دانشگاه های آزاد می باشند که در حوزه مدیریت دانش، مدیریت و رهبری سازمانی، مدیریت آموزشی دارای تخصص و تجربه (مدرک مرتبط تحصیلی، هدایت و راهنمایی رساله های ارشد و دکتری مرتبط با موضوع پژوهش حاضر، چاپ کتاب و مقاله) دارند. برای انتخاب افراد نمونه از روش نمونه گیری هدفمند از نوع نظری استفاده شده است، برای برآورد حجم نمونه در بخش کیفی بر مبنای قانون اشباع نظری داده ها انجام شد. اشباع نظری مقوله ها در مصاحبه ۹ برای پژوهشگر به دست آمد؛ اما پژوهشگر پس از آن ۱ مصاحبه تکمیلی با مشارکت کنندگان نیز انجام داد، فرایند مصاحبه ضبط و یا یادداست برداری شد و سپس بازنویسی شد، تمامی مشارکت کنندگان از قبل و به وسیله پست الکترونیک یا مراجعه حضوری در جریان هدف و سوالات مصاحبه قرار گرفته و پس از پیگیری تلفنی و اعلام موافقت افراد و تعیین زمان و مکان ملاقات، مصاحبه برگزار شد.

به منظور گردآوری داده‌های پژوهش از ابزار مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد. در این گونه از مصاحبه‌ها، مصاحبه شونده با سؤالاتی کلی و باز در ارتباط با موضوع پژوهش مواجه شده و بدون هیچگونه محدودیتی، دیدگاه‌های خود را بیان می‌نمود. در جلسه مصاحبه سؤالات زیر مطرح شد:

۱. تعریف شما از دانشگاه آینده با رویکرد دانش افزایی چیست؟
۲. مولفه ها و ابعاد دانشگاه آینده با رویکرد دانش افزایی کدام ها هستند؟
۳. چه عواملی می توانند بر دانشگاه آینده با رویکرد دانش افزایی اثر گذار باشند که ما شاهد نهادینه سازی و رشد شاخص های دانشگاه اینده باشیم؟
۴. چه شرایط زمینه ای به عنوان بسترساز می توانند بر دانشگاه آینده با رویکرد دانش افزایی اثر گذار هستند؟
۵. چه عواملی می تواند اثرات مثبت و منفی و به نوعی مداخله گر بر دانشگاه آینده با رویکرد دانش افزایی باشند؟
۶. چه راهبردهای برای توسعه دانشگاه آینده با رویکرد دانش افزایی توصیه می کنید؟
۷. به نظر شما اگر در نظام آموزش عالی، دانشگاه آینده با رویکرد دانش افزایی نهادینه و توسعه یابد چه اثرات و پیامدهایی می تواند داشته باشد؟

برای انجام مصاحبه مراحل زیر طی شد:

[Downloaded from mail.journalieaa.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/meo.13.4.91]

۱. حدود هفت روز قبل از برگزاری مصاحبه نیمه ساختار یافته‌ها، طرح پیشنهادی تحقیق (پروپوزال) و خلاصه ای از پیشینه نظری و تجربی برای جامعه اطلاعاتی (متخصصان و خبرگان دانشگاهی) ارسال شد؛
۲. در روز برگزاری جلسه، ابتدا محورهای بحث (دانشگاه آینده با رویکرد دانش افزایی) برای جامعه اطلاعاتی تشریح و سپس از آنها خواسته شد تا نظرات خود را بیان کنند. به طور میانگین هر مصاحبه حدود ۷۵ دقیقه طول کشید.
۳. برای گردآوری داده های به دست آمده از مصاحبه، ابتدا فرم مصاحبه طراحی شد. برای ثبت دیدگاه های افراد از ضبط صدا و یادداشت برداری انجام شد. لازم است ذکر شود که چند تن از مشارکت کنندگان اجازه ضبط صدا را به پژوهشگر ندادند و یادداشت برداری شد.
۴. بعد از گردآوری داده‌های به دست آمده، مصاحبه‌ها به دست نوشته‌های متنی تبدیل شدند، و فرایند تحلیل و تلخیص داده‌های کیفی آغاز شد. این داده‌ها با توجه به موضوع تحقیق تلخیص و کدگذاری شدند.

به منظور تحلیل داده‌های کیفی از روش تحلیل تم[1] که مبتنی بر کدگذاری باز و کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی است استفاده شد، در مرحله کد گذاری باز متن مصاحبه‌ها یا یادداشت ها چندین بار خوانده شد و جملات اصلی آن استخراج و به صورت کدهایی ثبت شد و سپس کدهای مشابه در دسته‌هایی قرار داده شدند، در ادامه در کدگذاری محوری، طبقات به طبقات فرعی خود ربط داده شدند تا تبیین های دقیق‌تر و کامل‌تری درباره پدیده ارائه گردد، همچنین در این مرحله دسته‌های اولیه در کدگذاری باز تشکیل شده اند با هم مقایسه و آن‌هایی که با هم شباهت داشتند، حول محور مشترکی قرار گرفتند، و در مرحله کدگذاری انتخابی فرآیند یک پارچه سازی و پالایش مقوله‌ها صورت گرفت، به این ترتیب که پژوهشگر با ایجاد یک آهنگ و چیدمان خاص در بین مقوله ها، آن‌ها را برای ارائه و شکل‌دهی یک تئوری تنظیم کرد، در ابتدا ضمن یکپارچه سازی و خالص نمودن طبقات، در مورد انتخاب مقوله مرکزی تصمیم گیری شد و سپس به مقوله اصلی ربط داده شد. در پژوهش حاضر از سه روش زیر برای روایی داده‌های پژوهش استفاده شد.

۱. بازخورد مشارکت‌کننده[2]؛ در این پژوهش به دو گونه از این روش استفاده شد. اول، در حین انجام مصاحبه که برداشت‌هایی که پژوهشگر از گفته‌ها و دیدگاه‌های مصاحبه شونده‌ها دریافت کرده بود را به آنها بازخورد می‌داد تا دقیقاً مشخص شود که آیا آن برداشت، مطابق با گفته‌ها و

[1]. Thematic Analysis
[2] . Member checking

[Downloaded from mail.journalieaa.ir on 2026-11-26]
[DOI: 10.61186/meo.13.4.91]

دیدگاه‌های مشارکت کننده‌ها بوده است یا خیر؟ دوم، نتایج تحلیل به ۲ نفر از مشارکت ارائه شد و فرایند رسیدن به دیاگرام برای آنها تشریح گردید، یافته های حاصل از این کار، یافته های کلی پژوهش را تایید کرد.

۲. تکنیک زاویه بندی کریستینسن: از این تکنیک برای ارزیابی اعتبار و کیفیت یافته ها استفاده شد. در این راستا سعی شد با درگیری مداوم و مستمر ذهنی با داده ها، وسعت اطلاعات و عمق دادن اطلاعات امکان پذیر شود. برای نیل به این هدف پس از کدگذاری داده ها توسط پژوهشگر، از دو نفر خواسته شد که برخی از مصاحبه ها را کدگذاری کنند تا صحت و اعتبار کدگذاری و مقوله های به دست آمده را ارزیابی کنند و نتایج این بخش مشابهت داشت با کد گذاری که در مرحله قبل صورت گرفته بود.

۳. ناظران بیرونی: در این روش پژوهشگر از افرادی که خارج از مطالعه بوده تقاضا می‌کند که نقاط قوت و ضعف پژوهش مورد نظر را ارزیابی کرده و با تکیه بر بازخوردهای گرفته شده، پژوهشگر اقدامات اصلاحی را برای ارتقای پژوهش انجام می‌دهد. این پژوهش نه تنها با راهنمایی اساتید راهنما و مشاور به انجام رسید، بلکه از نظرات متخصصان برای پایان نامه نیز استفاده شده است. به طوریکه در هر مرحله از کار و بر اساس بازخوردهای دریافت شده، تغییرات و اصلاحاتی در کار اعمال شده است.

برای بررسی پایایی نیز از یادداشت برداری مفصل و دقیق سر صحنه، ضبط صوت با کیفیت برای ثبت دقیق یافته ها و آنالیز داده‌ها به کمک افراد ناشناس به طوری که دیدگاه‌های مجریان پژوهش اثری در تحلیل داده نداشته باشد، بهره گرفته شد.

یافته ها

تجزیه و تحلیل داده های این پژوهش بر اساس دستور العمل Strauss & Corbin (2014) انجام گرفت، این شیوه شامل سه مرحله اصلی کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی است، در نهایت نظریه(مدل کیفی) پژوهش بیان شده است.

سوال اول: پدیده محوری دانشگاه آینده با رویکرد دانش افزایی کدام است؟

مولفه محوری: ترسیم سیما دانش در دانشگاه آینده

نظرات مشارکت کنندگان پژوهش نشان داد که مولفه های تشکیل دهنده دانشگاه آینده با رویکرد دانش افزایی در چهار بعد «**برنامه ریزی مشارکتی**»، «**رهبری آینده نگر**»، «**مسئله محوری**» و «**توسعه دانشگاهی**» قابلیت طبقه بندی دارد. به عنوان نمونه:

[Downloaded from mail.journalieaa.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/meo.13.4.91]

مشارکت کننده شماره ۱: *" هر چقدر تسهیل گری در جهت گیری های دانشگاهی بیشتر باشد انگیزش دانشگاهیان در ارتقای کیفیت شایستگی های یاددهی- یادگیری به مراتب افزونتر می شود. اساتید و دانشجویان جزو مهمترین طیف های دانشگاهی هستند لذا ایجاد تعاملات، دادن فرصت و میدان های گفتمان و مراودات منجر به ظهور ساختن یادگیری همراه با خودتاملّی میشه "*

مشارکت کننده شماره ٤: *" سلسله مراتب زدایی و تمرکزدایی و گسترش اختیارات مدیریت های دانشگاه و توجه به تعامل افراد و بهسازی و توانمندی آنها یکی از ویژگی های رهبری مدیران دانشگاهی است که باید به عنوان التزام اصلی به آن پرداخته شود. دانشگاه نیاز دارد تا از فضای بوروکراتیک به فضای استقلال و همکاری های داوطلبانه حرکت کند. رهبری و مدیریت نقش تعیین کننده ای در بهبود کیفیت فضای دانشگاه دارد"*

مشارکت کننده شماره ٥: *"پژوهش های انجام شده باید در راستای نوآوری، حل مشکلات، رفع نیازهای واقعی و نظام مدیریت پژوهش کشور ساماندهی شود. باید طوری پیش برویم که تولیدات علمی ما بیشتر راهگشای مسائل جامعه بوده و در یک کلام دانایی ما منجر به توانایی ما بشه. برای شروع این کار باید در پژوهش هایمان هدفمند پیش بریم».*

مشارکت کننده شماره ۸: *" باید تعادلی بین شاخص های کیفی دانشگاه ایجاد شود. به طور کلی در این سال‌ها، سازگاری نامعقولی میان کیفیت و کمیت آموزش عالی در ایران رخ داده است و ظاهراً چنین می‌نماید که تعادلی میان آن‌ها برقرار بوده است، اما در واقع، غلبه با "کمیت" است و کیفیت به نفع کمیت، پای عقب کشیده است! نسبت استاد به دانشجو در دانشگاه های کشور با شاخص های استاندارد جهانی فاصله دارد و این فاصله باید به حداقل برسد و این مشکل در دانشگاه پیام نور، دانشگاه آزاد و مراکز علمی کاربردی بیشتر مشهود است که باید چاره ای اندیشیده شود چرا که به طور مستقیم کیفیت دانشگاه را تحت تاثیر قرار می دهد"*

جدول۱- مقوله ها، مولفه و مفاهیم احصاء شده به مثابه پدیده محوری

مقوله اصلی	مولفه ها	مفاهیم
پدیده محوری(ترسیم سیما دانش در دانشگاه آینده)	برنامه ریزی مشارکتی	تسهیل گری و تعامل با ذی نفعان کلیدی؛ ارتقای کیفیت پژوهش و آموزش؛ توسعه شایستگی های باددهی-یادگیری؛ توسعه توانمندی های نخبگان
	رهبری آینده نگر	کاهش سلسله مراتب و تمرکز زدایی؛ استقلال داوطلبانه؛ ثبات مدیریتی؛ آگاهی و شناخت کامل از آینده؛ اشراف بر هدف‌ها و ارزش‌های مبتنی بر دانش
	مساله گشایی	هدفمند سازی پژوهش ها؛ ماموریت گرایی؛ برنامه محوری؛ تولید فکر جدید بر اساس اندیشه خبرگان دانشگاهی
	توسعه دانشگاهی	توجه به ظرفیت های علمی نخبگان دانشگاهی؛ ارتقای رشد کیفی آموزش عالی؛ انعطاف پذیری در ساز و کارهای پژوهش و آموزش در دانشگاه؛ پیشرفت و ترفیع کارکنان دانشی و نوآور

[Downloaded from mail.journalieaa.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/meo.13.4.91]

سوال دوم: شرایط علّی دانشگاه آینده با رویکرد دانش افزایی کدام است؟

بر مبنای نظرات مشارکت کنندگان، شرایط علی تأثیر گذار بر پدیده محوری دانشگاه آینده با رویکرد دانش افزایی شامل مقوله های «**شرایط ساختاری**»،«**شرایط فرهنگی**» و «**فرایندهای دانشگاهی**»، «**ویژگی های خبرگان دانشگاهی**» می‌باشد، به عنوان نمونه:

مشارکت کننده شماره ٤: *" برای ایجاد دانشگاه آینده امروز باید برنامه و اقدام کرد، آینده مطلوب خود به خودی شکل نمی گیرد اگر امروز به فکر آینده نباشیم، نمی توانیم آینده را در اختیار داشته باشیم، در نتیجه باید زمینه سازی برای اعضای دانشگاهی داشته باشیم، فرضیت رشد و دانش افزایی به آنها بدیم که با اشتراک دانش از سوی اعضای به نهادینه سازی این مهم بپردازیم "*

مشارکت کننده شماره ۸: *" در راستا عوامل موثر بر دانشگاه آینده با تکیه دانش افزایی باید عنوان کنم که مدیران عالی دانشگاه نقش کلیدی دارند، اندیشه و باور مدیران به آینده دانشگاه می تواند در سطوح پایین سرایت پیدا کند، مدیران در زمینه باید متعهد به به کارگیری اعضای دانش محور باشند کسانی که زمینه های علمی و پژوهشی خوبی برای نقش آفرینی در پست های کلیدی دانشگاه داشته باشند، که با اتکا به دانش روز فعالیت ها و برنامه های آموزش عالی را پیش ببرند"*

مشارکت کننده شماره ۳: *" معتقد هستم فرایندهای دانشگاه در مقایسه با ساختار کلی آن در شکل گیری دانشگاه اینده تاثیر چشمگیر تری دارد، در عصر تکنولوژی استفاده از فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی به روز و مدیریت استعداد منابع انسانی کلید توسعه دانشگاه برای حرکت رو به آینده مطلوب می باشد"*

مشارکت کننده شماره ۷: *" معتقدم اساتید گرانبهاترین عنصر در میان عناصری موجود برای شکل دادن به دانشگاه آینده است، در دانشگاه هسته پیشرفت در کلاس اتفاق می افتد که استاتید در آنجا بیشترین نقش را دارند، روحیه همکاری و همفکری در راستای اشاعه دانش، اشتراک دانش و انعکاس دانش روز در فرایندهای درسی، زمینه دانش افزایش و شکل گیری دانشگاه آینده است "*

جدول۲-مقوله ها، مؤلفه و مفاهیم احصاء شده به مثابه شرایط علّی

کدهای گزینشی	کدهای محوری	کدهای باز
شرایط علّی	شرایط ساختاری	ایجاد فرصت های رشد برای اعضای دانشگاهی؛ توسعه نوآوری و خلاقیت در سطوح مختلف دانشگاه؛ توسعه شبکه های اجتماعی و ارتباطی؛ ترسیم شرایط ایده آل نیروی منابع انسانی دانش گرا
	شرایط فرهنگی	باور مدیران به آینده نگری؛ تعهد عملکردی مدیران در جذب ، نگهداشت و ارتقای منابع انسانی دانش محور؛ شایسته سالاری در سازمان و عدم تبعیض بین اعضای سازمان؛ پذیرش تضاد بین گروه های سازمانی؛ ارزیابی مستمر به منظور ارتقای بهره وری نیروی انسانی دانشگرا

[Downloaded from mail.journalieaa.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/meo.13.4.91]

	فرایندهای سازمانی	به کارگیری مدیران با مهارت و تخصص بالا در پست های مدیریتی؛ ارزیابی و پایش کارایی و اثربخشی نیروی انسانی؛ بهره گیری از نظام انتقادات و پشینهادات؛ مدیریت فناوری اطلاعات و ارتباطات به روز؛ توزیع هماهنگ نخبگان در سطوح مدیریتی در پست های دانشگاهی؛ سرعت بخشیدن به توسعه استعدادهای سازمانی
	ویژگی های خبرگان دانشگاهی	وجود اهداف متعالی فردی و گروهی برای توسعه دانش؛ وجود انگیزه موفقیت طلبی در پژوهش ها و آموزش های دانشگاهی؛ احساس توانمندی در اعضای دانش محور در دانشگاه؛ اراده و عزم جدی؛ استقلال طلبی در خبرگان دانشگاهی

سوال سوم: شرایط زمینه‌ای دانشگاه آینده با رویکرد دانش افزایی کدام است؟

بر مبنای نظرات مشارکت کنندگان، شرایط زمینه ای تأثیر گذار بر دانشگاه آینده با رویکرد دانش افزایی شامل مقوله های «**کارآفرینی دانشگاهی و افزایش نقش اقتصادی دانشگاه**»،« **مشارکت دانشجویان**» و « **تعامل آزاد نهادهای علمی در عرصه بین المللی**»، « **زیرساخت لازم جهت توسعه دانشگاه آینده**» می‌باشد، به عنوان نمونه:

مشارکت کننده شماره ۲: *" نظام آموزش عالی باید با رویکرد نظریات رشد مبتنی بر توسعه انسانی نگریست. چیزی که مهم است بهره وری از ایده های کارآفرینانه دانش آموختگان است. اینجاست که اندازه دولت در بخش آموزش عالی باید کوچکتر شود و در مقابل باید تسهیلگر تعامل مثبت بین دانشگاه و صنعت باشد".*

مشارکت کننده شماره ۱: *" در جامعه دموکراتیک این باید محقق شود و دانشگاه باید شرایط لازم جهت برخورداری اقلیت های مختلف و ترکیب های جنسی از آموزش عالی با شرایط ملّی و جهانی را رو بوجود بیاره. چرا که مشارکت و حضور توده های مردم در آموزش عالی پاسخگویی و حساسیت دانشگاه در قبال نیازهای مختلف ذینفعان در جامعه و در نهایت توجه بیشتر به خدمات آموزشی ارائه شده با کیفیت بیشتر رو می طلبه"*

مشارکت کننده شماره ۸: *"با توجه به برآوردهای آمایش سرزمین تغییرات کاهشی در هرم جمعیتی ۱۸-۲۴ تا افق ۱۴۰۴ ادامه خواهد داشت که این خودش دال بر کاهش تقاضای آموزش عالی است، مخصوصا پدیده افزایش صندلی های خالی در آموزش عالی غیر انتفاعی به دلیل کیفیت عرضه آموزش عالی و نبود تقاضای اجتماعی از سوی بازار به این نوع آموزش ها می تواند چشمگیر باشد"*

مشارکت کننده شماره ۵: *" در وهله اول باید بین مفاهیم جهانی سازی و جهانی بودن تفکیک قائل شویم. چون این دو متفاوت هستند. روح حاکم بر جهانی سازی انفعالی است به خصوص در کشورهای جهان سوم این حالت حاکم است. یک نوع از خود بیگانگی را به همراه دارد ولی جهانی بودن یعنی گرفتن روح جهانی و افزودن آن به روح قومی یعنی یک نوع جهان وطن گرایی. مناقشه بین بحث جهانی شدن و بین المللی گرایی در آموزش عالی وجود دارد. برخی با داشتن نگاه آسیب شناختی به جهانی شدن از واژه امپریالیست یک جهان تک فرهنگی یاد می کنند و معتقدند که جهانی شدن ادامه استعمار است که می تواند به سلطه قدرت های بزرگ بر کشور منتهی شود. لذا باید با آن مقابله شود. ولی اگر از یک بعد دیگر به این قضیه نگاه کنیم می توان از این پدیده به عنوان یک فرصت و جهش رو به بالا برای یک کشور و ملت یاد کنیم که هیچ تعارضی بین فرهنگ ، ارزش ها و هنجارهای خودشان با آنچه این روندهای کلان به همراه دارند وجود ندارد. لذا کشور جهت توسعه*

[Downloaded from mail.journalieaa.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/meo.13.4.91]

آموزش عالی خود نیاز به گردش آزاد اطلاعات و تعامل نهادهای علمی و پژوهشی در عرصه ملّی بین المللی دارد و نیاز است که این همکنشی اجتماعی و همکاری های علمی در عرصه جهانی وجود داشته باشد"

مشارکت کننده شماره ۲:*"متاسفانه زیرساخت لازم جهت ارتقاء مستمر کمی و کیفی تجهیزات و امکانات آموزشی و پژوهشی را نداریم. امکانات و منابع تعریف می کنیم ولی در الویت بندی تخصیص منابع جور دیگر عمل می کنیم. می گوییم که باید هسته های پژوهشی و قطب های علمی برای توسعه فعالیت های پژوهشی شکل دهیم ولی در عمل سهم اعتبارات اختصاص داده شده به پژوهش ها از محل اعتبارات عمومی بسیار ناچیز است که اینها باید در برنامه های توسعه به صورت عقلایی پی ریزی و عملیاتی شوند"*

جدول۳- مقوله ها، مؤلفه و مفاهیم احصاء شده به مثابه شرایط زمینه یابی

کدهای گزینشی	کدهای محوری	کدهای باز
شرایط زمینه ای	کارآفرینی دانشگاهی و افزایش نقش اقتصادی دانشگاه	سهم اقتصادی آموزش عالی؛ وضعیت بودجه تخصیصی به دانشگاه کارآفرینی آموزشی؛ بهره وری از ایده های کارآفرینانه دانش آموختگان؛ دانش بنیان بودن آموزش عالی؛ تجاری سازی نتایج پژوهش ها
	مشارکت دانشجویان	وضعیت اشتغال در کشور؛ موسسات آموزش عالی غیر انتفاعی؛ گرایش به مدرک گرایی در آموزش عالی؛ افزایش متقاضیان زن در ورود به اموزش عالی؛ انگیزه های ورود به آموزش عالی؛ تحلیل هزینه – فایده برای ورود به دانشگاه یا ادامه در مقاطع تحصیلی بالاتر
	تعامل آزاد نهادهای علمی در عرصه بین المللی	جهانی شدن؛ روابط بین المللی ؛ برگزاری سینمارها و همایش های بین اللملی
	زیرساخت لازم جهت توسعه دانشگاه آینده	تمرکز یا تمرکز زدایی فضایی؛ تخصص یابی منطقه ای؛ مدیریت توپوگرافی؛ تقسیم کار فضایی؛ آمایش سرزمین؛ شبکه ای شدن

سوال چهارم: شرایط مداخله‌گر دانشگاه آینده با رویکرد دانش افزایی کدام است؟

بر مبنای نظرات مشارکت کنندگان، شرایط زمینه ای تأثیر گذار بر دانشگاه آینده با رویکرد دانش افزایی شامل مقوله های « **مدیریت حرفه ای و شایسته گرایی**»،«**قوانین و مقررات آموزش عالی**»، « **اعتبارات و منابع مالی دولتی** » می‌باشد. به عنوان نمونه:

مشارکت کننده شماره ٦:*"سیطره سیاست و ایدئولوژی دولتی حاکم بر آموزش عالی بر سیاست زدگی دانشگاه تاثیر گذاره. غرض ورزی سیاسی، قیومت گرایی و سایه دولت نباید در دانشگاه حاکم باشه چون در نهایت مانع تقویت خلاقیت، اندیشه نقادانه و قابلیت های بالقوه آموزش عالی میشه. متاسفانه در حال حاضر یکی از مشکلات اصلی ما از رانت های سیاسی نشات می گیره. امروزه دانشگاه ها محلی برای نزاع بین جناح های مختلف شده است. سایه اختلافات حزبی بین مدیران قبلی و بعدی در دانشگاه ها ادامه دار است و این منجر به*

[Downloaded from mail.journalieaa.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/meo.13.4.91]

نوعی آشفتگی و ضعف در تصمیم گیری های مدیریتی شده که به مرور تاثیرش را در فعالیت های علمی دانشگاه میذاره. دانشگاه باید جهتش به سمت شایسته گرایی و حرفه ای گرایی باشه"

مشارکت کننده شماره ٤:*"قوانین و مقررات و آیین نامه ها مسیر رسیدن به هدف را میسر می کنه و آموزش عالی با آنها حمایت، هدایت و نظارت میشه. مشکلات آموزش عالی از آیین نامه هایی است که آموزش عالی با آنها نظارت میشه. سیاست گذاری آموزش عالی بر اساس نیازهای آموزشی صورت نمی گیرد. اگر قوانین دانش بنیان، جامع الاطراف و درست اجرا بشه به هر هدف و آرمانی دست پیدا می کنیم. مشکل در نبود قوانین درست و عدم اجرایی بودن آنها و شفاف نبودن قوانین تعریف شده هست".*

مشارکت کننده شماره ۸:*"باید نقش دولت از یک عامل مداخله گر به سوی توانمندساز و تنظیم گیر تغییر بکنه یعنی دولت فضا را برای همکاری بخش خصوصی و دانشگاه فراهم کند و به نوعی دوست و حامی دانشگاه باشه. دخالت دولت نه نیاز الان دانشگاه را تأمین می کند نه نیاز آینده را. در کشور ما قسمت اعظم اقتصاد آموزش عالی دست دولت است. بنابراین اتکا به منابع دولتی طبیعتا مداخلات دولتی و اتفاقاتی که کیفیت را تحت تأثیر قرار می دهند را به دنبال داره"*

مشارکت کننده شماره ۳:*"دانشگاه ها رو باید در تعیین سیاست گذاری های و اجرای برنامه های خودش آزاد گذاشت پیش شرط تحقق این امر رهایی دانشگاه از قید و بند اعتبارات دولتی و آزادی در تخصیص بودجه است. دانشگاه نیاز به تنوع مالی دارد و این امر به موازات حرکت به سمت دانشگاه های نسل سوم و ارتقای بعد کارآفرینی محقق می شود"*

جدول٤-: مقوله ها، مؤلفه و مفاهیم احصاء شده به مثابه شرایط مداخله گر

کدهای گزینشی	کدهای محوری	کدهای باز
شرایط مداخله گر	مدیریت حرفه ای و شایسته گرایی	شایسته گرایی و حرفه ای گرایی؛ تفویض اختیار؛ استقلال عمل آکادمیک؛ کاهش میزان تصدی گری دولت در آموزش عالی؛ عدم سیاست زدگی دانشگاه ها
	قوانین و مقررات آموزش عالی	وضعیت اشتغال در کشور؛ موسسات آموزش عالی غیر انتفاعی؛ گرایش به مدرک گرایی در آموزش عالی؛ افزایش متقاضیان زن در ورود به اموزش عالی؛ انگیزه های ورود به آموزش عالی؛ تحلیل هزینه – فایده برای ورود به دانشگاه یا ادامه در مقاطع تحصیلی بالاتر
	اعتبارات و منابع مالی دولتی	بودجه ریزی و درآمد زایی دانشگاه ها ؛ سیاست های حمایتی دولت؛ استقلال مالی

[Downloaded from mail.journalieaa.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/meo.13.4.91]

سوال پنجم: راهبردهای دانشگاه آینده با رویکرد دانش افزایی کدام است؟

بر مبنای نظرات مشارکت کنندگان راهبردهای دانشگاه آینده با رویکرد دانش افزایی شامل مقوله های« **اصلاح ساختار مدیریت نظام آموزش عالی**»، « **نهادینه سازی آینده پژوهی**» می‌باشد. به عنوان نمونه:

مشارکت کننده شماره ٦:*"دانشگاه ها ساختار همسو با اینده ندارد، انعطاف پذیری و پاسخگویی سریع به تغییرات محیطی الزام اجتناب ناپذیری می باشد، در عصر تکنولوژی و فناوری که هر روز شاهد یک نواوری در حوزه اموزش و فناوری آموزش هستیم، دانشگاه متاثر می باشد، چگونه ممکن است با ساختار فیزیکی که الا ن در آن در حال زندگی کردن در دانشگاه هستیم مواجهه منطقی با این تغییرات داشته باشیم "*

مشارکت کننده شماره ۲:*"برای دانشگاه اینده دانش و شناخت اینده باید وجود داشته باشد، پژوهش های فعلی دانشگاهیان در راستای توصیف شرایط حال و گذشته هستند، این خوبه ولی کافی نیست، رویکرد مطالعات آینده پژوهی ضرورت دارد در رشته های مختلف رونق بگیرد، در تمامی رشته با شناخت اینده خود و ترسیم سیمای رشته تحصیلی خود، می توان در مجموع داده های خوبی برای شکل دادن به دانشگاه اینده بدهد "*

جدول ۵: مقوله ها، مؤلفه و مفاهیم احصاء شده به مثابه راهبردها

کدهای گزینشی	کدهای محوری	کدهای باز
راهبردها	اصلاح ساختار مدیریت نظام آموزش عالی	توسعه مدیریت آینده نگر در آموزش عالی؛ توسعه مدیریت کارآمد و اثربخش؛ برنامه ریزی منطبق با نیاز جامعه؛ استفاده از مدیران با روحیه نوآوری؛ بهره گیری از مدیران با سابقه سیاست گذاری اجرای؛ جذب نیروی انسانی نوآور؛ کاهش بروکراسی اداری؛ تاسیس دفاتر انتقال فناوری و ایجاد مراکز شتاب دهنده و تسهیل دهنده
	نهادینه سازی آینده پژوهی	توسعه فرهنگ آینده پژوهی؛ شبکه سازی درونی و بیرون؛ تشویق نوآوری و توسعه اصل بهبود مستمر؛ ارتقای کیفی فعالیت‌های سازمانی؛ اعطای نشان افتخار به فعالیت‌های مدیران و اساتید آینده نگر؛ ترویج فرهنگ ریسک کردن

سوال ششم: پیامدهای دانشگاه آینده با رویکرد دانش افزایی کدام است؟

بر مبنای نظرات مشارکت کنندگان «**پیشرفت عملکرد**»، «**تحکم نقش نظام آموزش عالی**» به منزله پیامدهای الگوی دانشگاه آینده با رویکرد دانش افزایی عمل می‌کنند.

مصاحبه شونده ۱۰: " *توجه به دانشگاه اینده با رویکرد دانش افزایی پیامدهای فراوانی می‌تواند داشته باشد، یادگیری مهارت مورد نیاز برای آینده است، اعضای دانشگاه ها مجهز به مهارت‌های عملی و علمی می‌شود دانشگاه های آینده به آن نیاز دارند "*

مصاحبه شونده ۱۵: *"هنگامی که دانش برای ساخت دانشگاه اینده ایجاد شود، اعتماد به نفس و خودکارآمدی بودن در میان اعضای دانشگاه ها رشد می کند "*

[Downloaded from mail.journalieaa.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/meo.13.4.91]

مصاحبه شونده ۱: *"اولین بخشی که پیامدهای این الگو در آنجا نمود پیدا می‌کند، حوزه اقتصاد است، رشد سرمایه انسانی دانش محور که در دانشگاه پرورش یافته است برای اقتصاد رشد را رقم می زند و اگر تعامل بین‌المللی به درستی شکل بگیرد توسعه اقتصاد در سطح ملی و بین‌المللی دور از انتظار نیست"*

مصاحبه شونده ١٦: *"شاید بتوان گفت جامعه منفعت های زیادی از این الگو می برد، نرخ بیکاری پایین می‌آید، تولید رونق می‌گیرد و تمایل به سرمایه گذاری در زمینه ایده‌های دانشگاهی از طرف سرمایه گذران اقتصادی افزایش می‌یابد، با این استدلال که ما آماده برای آنچه که در اینده می خواهد رقم بخورد و متناسب با آن عمل می کنیم"*

جدول ٦: مقوله ها، مؤلفه و مفاهیم احصاء شده به مثابه پیامدها

کدهای گزینشی	کدهای محوری	کدهای باز
پیامدها	پیشرفت عملکرد	یادگیری مهارت‌های مورد نیاز آینده؛ افزایش روحیه و افزایش اعتماد به نفس؛ احساس خود کارآمدی؛ تولید دانش
	تحکیم نقش نظام آموزش عالی	افزایش درآمدهای دانشگاه؛ برقراری تعامل با بخش های مختلف جامعه ؛ پاسخگویی به نیازهای جامعه؛ انتقال تکنولوژی؛ گسترش استقلال دانشگاه؛ تضمین کیفیت؛ اعتماد عمومی به نظام آموزش عالی؛ توسعه و تعالی نظام آموزش عالی؛ ارتقای کیفیت مؤلفه های آموزش عالی

کدگذاری انتخابی و ارایه مدل پارادایمی

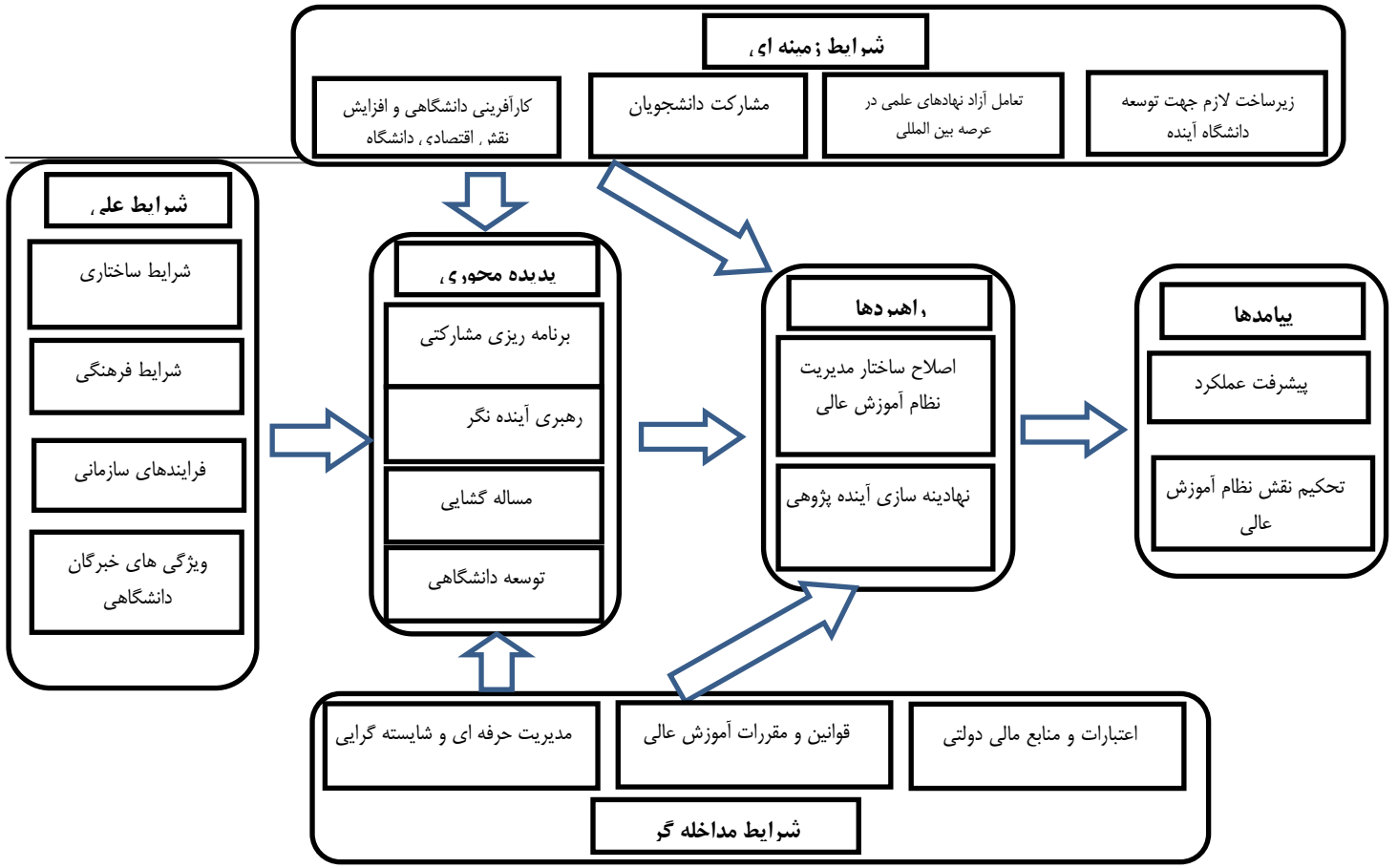
کد گذاری انتخابی مرحله سوم و اصلی نظریه پردازی داده بنیاد است که بر اساس نتایج کد گذاری باز و محوری به ارائه مدل پارادایمی می پردازد. در کد گذاری انتخابی مقوله های احصاء شده در مراحل قبلی به یکدیگر ربط داده شده و روابط بین آنها بررسی می شود، این امر همان فرایند کشف نظریه و ظهور نظریه است؛ یعنی یافتن سازه ها، مرتبط ساختن آن ها و بررسی ماهیت این رابطه، نمودار زیر این روابط را در قالب مدل پارادایمی نشان می دهد.

[Downloaded from mail.journalieaa.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/meo.13.4.91]

[Downloaded from mail.journalieea.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/meo.13.4.91]



شکل۱: مدل پاردایمی دانشگاه آینده با رویکرد دانش افزایی

بحث و نتیجه گیری

تجزیه و تحلیل سوال اول پژوهش نشان داد که بر اساس نظرات مشارکت کنندگان پژوهش نشان داد که مولفه های تشکیل دهنده دانشگاه آینده با رویکرد دانش افزایی در چهار بعد «برنامه ریزی مشارکتی»، «رهبری آینده نگر»، «مسئله محوری» و «توسعه دانشگاهی» قابلیت طبقه بندی دارد. در مطالعه Beheshtirad (2017) عوامل تشکیل دهنده آینده تضمین کیفیت در نظام آموزش عالی شامل تصمیم گیری مشارکتی، سیستم مدیریت و رهبری، حل مسئله و توسعه متوزان جنبه های کیفی و کمی می باشد. Masomifard (2013) الگوهای مشارکت جویانه ذینفعان را به عنوان یکی از راهکارهای کلیدی پاسخگویی دانشگاه ها برمی شمرد و بیان داشت که تصمیم گیری بر اساس تصمیم سازی مهمترین رویکرد آموزش عالی است و رؤسای دانشگاه ها ملزم به نظام تصمیم سازی مبتنی بر خردجمعی در اداره دانشگاه ها به منظور بهره مندی از نظام توانایی فکری و معرفتی در جهت ایجاد انگیزه می باشند. لذا در چارچوب قانون رجوع به نظرات هیئت علمی ضروری است. عامل قابل توجه دیگر در مورد عوامل سطح درونزا که اتفاق نظر پاسخگویان بود، توسعه موزون آموزش عالی از بعد کمّی و کیفی است. از دیدگاه (Gibbons 2012)توسعه آموزش عالی را به شیوه های مختلف می توان مفهوم سازی کرد به گونه ای که می توان آن را با شیوه جدید تولید دانش و توده ای شدن آموزش عالی از حیث کمّی همگرا دانست. لذا در کشورهای صنعتی توده ای شدن آموزش عالی بیانگر شیوه موزون از توسعه آموزش عالی است، زیرا نه تنها یادگیری و فعالیت های تولید دانش را افزایش می دهد بلکه آن را به گونه ای موزون در بین نهادهای مختلف اجتماعی- اقتصادی در بخش های خصوصی و عمومی در گستره مرزهای جغرافیایی گوناگون توزیع می کند. لذا مهم ترین ویژگی توسعه آموزش عالی در کشورهای صنعتی توزیع اجتماعی دانش با کیفیت در طیف وسیعی از افراد و نهادهاست. یکی دیگر از عوامل تاثیر گذار در دانشگاه آینده از بعد توسعه دانشگاهی تأکید بر جذب نخبگان و چرخش مغزها به جای فرار مغزها می باشد. بدیهی است که رکن دانش و نقش آن در توسعه، وابستگی جدی با نخبگان علمی دارد و درگیر کردن آنها به امور علمی سرعت رسیدن به توسعه را افزایش داده و زمان دستیابی به آن را کاهش می دهد(Zolfigol,2004). از دیگر دیدگاه های مطرح شده، استقلال آکادمیک و تفویض اختیار به دانشگاه های توانمند بود. از نظر Roşca & Păunescu (2010) تصدی گری و تولی گری سیستم های سیاسی قانون گذار ناکارآمد در معیارگذاری های آموزش عالی و نبود سیاست تمرکز زدایی و فقدان ضرورت تنظیم اشکال جدیدی از برنامه های آموزشی جایگزین برنامه های آموزشی سنتی یکی از چالش های پیش روی نظام های آموزش عالی می باشد. هر چند وعده کاهش میزان تصدی گری دولت در آموزش عالی و احیای استقلال و تقلیل تمرکز گرایی از ابتدای دولت یازدهم مطرح بوده است(Beheshtirad, 2017)؛ لذا آزادی علمی و استقلال دانشگاهی و دانشگاهیان به عنوان یک اصل برای توسعه علمی جدی و هنجارهای علم ورزی و ابعاد

[Downloaded from mail.journalieaa.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/meo.13.4.91]

حرفه ای مدیریت دانشگاهی باید به رسمیت شناخته شود. دولت ها در همه جای دنیای تنها کاری که می کنند حمایت و تسهیلگری از دانشگاه بدون هیچ مداخله ای در مدیریت و برنامه های آنها است. اجماع کلی بر این است که دانشگاهیان ذیصلاح ترین قشرهایی هستند که می توانند کیفیت خود را ارتقا بدهند و خود را به ترازهای دنیای جهانی شدهٔ امروز برسانند، به شرط اینکه کار آنها به خودشان احاله شود و در یک شرایط رقابتی بتوانند از پویایی ها و ابتکارات درونزای شان بهره بگیرند. در واقع این مسئله سبب خواهد شد تا نهاد دولت به جای ورود مستقیم به حوزه تصمیم گیری و سیاست گذاری های خرد در نهادهای دانشگاهی، امور مربوطه را به آنها در این خصوص واگذار نموده و نقش حاکمیتی خود در حوزه سیاست گذاری کلان و نظارت و ارزیابی را تقویت نماید. تحقق این ویژگی سبب هماهنگی با روندهای جهانی آموزش عالی در این زمینه خواهد بود. Clark (2015) استدلال می کند که امروزه دانشگاهیان و اساتید دانشگاه ها متخصصان امر آموزش و پژوهش به شمار می روند و لذا شایسته ترین افراد برای تصمیم گیری در خصوص برنامه ریزی های توسعه دانشگاهی و مشکلات مرتبط با تحقیق و مسائلی که نیاز به بررسی بیشتر دارند محسوب می شوند لذا در مدیریت امور و ساز و کارهای آن باید استقلال اساسی داشته باشند.

تجزیه و تحلیل سوال دوم پژوهش نشان داد که بر مبنای نظرات مشارکت کنندگان، شرایط علی تأثیر گذار بر پدیده محوری دانشگاه آینده با رویکرد دانش افزایی شامل مقوله های «شرایط ساختاری»، «شرایط فرهنگی» و «فرایندهای دانشگاهی»، «ویژگی های خبرگان دانشگاهی» می‌باشد. Ali & et al (2019) درک محیط پیرامون و آینده، مهارت ارتباطی و سامان دهنده امور را از عوامل موثر بر آینده نظام های آموزشی معرفی کردند، همچنین Beheshtirad (2017) گزارش کرد که خبرگان دانشگاهی و تشکیل شبکه های اجتماعی دانشگر بر آینده تضمین کیفیت در دانشگاه نقش موثری ایفا می کنند. بر اساس نظر Islam & et al (2020) طیف گسترده ای از عوامل فردی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... بر توسعه آینده نظام های آموزشی مؤثر هستند. باید عنوان کرد که عوامل اثر گذار در بستر برگزاری تغییران شرایط ساختاری نظام آموزش عالی برای ارائه ایده‌های آینده نگرانه مدیران و حمایت از ایده‌های جدید آنان، ارتباط مؤثر بین محیط و شناسایی فرصت های جدید برای استفاده حداکثری از ظرفیت ها و توانمندی موجود بر دانشگاه اینده با رویکرد دانش افزایی مؤثر می‌باشند، این عوامل تمرکز ویژه بر فرایندهای سازمانی بخصوص برای توسعه شبکه های اجتماعی دارند و با حمایت مالی از ایده‌های خلاق و آینده نگرانه اعضای دانشگاهی و فراهم سازی بستری مناسب برای تعامل و همکاری با دانشگاه ها در راستای توسعه دانش افزایی نقش مؤثری ایفا می‌کند. همچنین با تقویت مهارت‌های شغلی در برنامه ریزی آینده نگرانه متناسب با زیست بوم نظام عالی، بازتعریف خط و مشی ها متناسب با رویکرد آینده نگری، همسوسازی فرهنگ موجود با شرایط غیر قابل پیش بینی آینده و برقراری تعامل بین واحدهای مختلف سازمانی، اثر گذاری معنی داری بر دانشگاه آینده با رویکرد دانش افزایی خواهند گذاشت. در نهایت

[Downloaded from mail.journalieaa.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/meo.13.4.91]

ویژگی‌های شخصیتی نیز در قالب انگیزه و خصوصیات شخصیتی به عنوان عوامل مؤثر بر دانشگاه آینده با رویکرد دانش افزایی هستند، وارد شدن برای ترسیم سیمای آینده در نظام آموزش عالی نیازمند وجود اهداف متعالی فردی برای توسعه مهارت های مدیریتی می‌باشد، تحّرکات و انگیزه‌های فردی، وجود انگیزه موفقیت طلبی در فعالیت‌ها و وظایف مدیریتی، از جمله ویژگی‌های شخصیتی مهم در این زمینه می‌باشد، همچنین نیازمند خصوصیات فردی است که زمینه ریسک‌پذیری و بر هم زدن عادت‌های موجود را فراهم سازد. با توجه به نقش دانش افزایی در امر بهبود وضعیت نظام‌های آموزش عالی، توجه به عوامل مؤثر بر توسعه دانشگاه زمینه ای را فراهم می‌آورد که ویژگی‌های آینده نگری، اطلاعات و مهارت‌های مدیریتی توسعه یابد.

تجزیه و تحلیل سوال سوم پژوهش نشان داد که بر مبنای نظرات مشارکت کنندگان، شرایط زمینه ای تأثیر گذار بر دانشگاه آینده با رویکرد دانش افزایی شامل مقوله های «کارآفرینی دانشگاهی و افزایش نقش اقتصادی دانشگاه»،« مشارکت دانشجویان» و « تعامل آزاد نهادهای علمی در عرصه بین المللی»، « زیرساخت لازم جهت توسعه دانشگاه آینده» می‌باشد. کارآفرینی دانشگاهی از عوامل اصلی مطرح شده از سوی پاسخگویان می باشد. امروزه پارادایم نوین کارآفرینی و اهمیت اقتصادی دانش وکاربردی کردن نتایج آن در جهت حل ابتلائات بشری بر کسی پوشیده نیست. به همین دلیل، تلاش در سراسر جهان برای ترویج روابط نزدیک تر بین آموزش عالی و صنعت در راستای پیشبرد سیستم های آموزش عالی دولتی به سمت نیازهای روز صنعت بیش از پیش احساس می شود. در کشورهایی مانند ایران، تجاری نبودن نتایج تحقیقات و ضعف بازار و عملکرد نامناسب بخش خصوصی، نبودن زنجیرهٔ تحقیق، نبود کیفیت برون دادهای پژوهشی و فناوری، توسعه، ، محدود بودن نوآوری و تغییرات فناوری در سطح ملّی از مهم ترین چالش های بخش تولید علم و توسعهٔ فناوری است. ادامهٔ وضع موجود موجب می شود نتایج تحقیقات و پژوهش های علمی به نحو مطلوب استفاده نشود و بخش های دولتی و غیر دولتی انگیزه ای برای سرمایه گذاری در این زمینه نداشته باشند. دیدگاه مطرح شده در این سطح، تابعیت و ماهیت سیاسی برنامه های آموزش عالی و نبود استراتژی کلان صنعتی در آموزش های دانشگاهی و به موازات آن نبود تنوع و تناسب برنامه های دانشگاه با نیازهای جامعه بود. دیدگاه دیگر نگرش دیگر، تشکیل جلسات مشترک با هدف تفاهم بین دانشگاه و صنعت با تأکید بر تجاری سازی پژوهش های دانشگاهی و بر هم افزایی اجتماعات یادگیری بود که خبرگان از آنها به عنوان پیشران های کلیدی تاثیر گذار در چشم انداز آینده دانشگاه متصور شدند. Zareh & Hehazi (2011) در پژوهشی ضعف کارآفرینی دانشگاهی و زیرساخت های انکوباتورها را ناشی از شفاف نبودن مقررات و خط مشی های سازمانی دانستند. نتایج پژوهش این دو محقق نشان داد تعدیل و اصلاح در قوانین و خط مشی دانشگاه ها در زمینهٔ نحوهٔ توزیع درآمد از تجاری سازی دانش، از محل شرکت های زایشی دانشگاهی در راستای ایجاد انگیزه در استادان برای درگیرشدن در این فرایند می تواند بسیار مؤثر باشد و این امر را تسهیل کند؛ بنابراین توجه به زیرساخت های لازم در

[Downloaded from mail.journalieaa.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/meo.13.4.91]

انکوباتورها از جمله مواردی است که باید دانشگاهیان و متخصصان آموزشی به آن توجه ویژه داشته باشند و می تواند مسئولیت دانشگاه و دانشگاهیان را در قبال مسئله کیفیت دوچندان کند. (Lacatuş & Staiculescu (2016 در این زمینه بیان می‌کنند که نظام‌های آموزشی امروزه در برابر چالش‌هایی قرار دارند که در گذشته مطرح نبوده است، نیارهای آموزش عالی و نیازهای مربوط به جذب و استخدام نیروهای کارآمد با امکانات و شیوه های مدیریتی گذشته قابلیت پاسخگویی به شرایط پیچیده محیطی نیستند و دیگر کارایی لازم را ندارند، Genza & Musisi (2018) بیان می دارند که کارآفرینی آموزشی راه حل جبران و اصلاح بسیاری از این محدودیت‌ها و چالش‌هایی است که نظام‌های آموزشی با آن روبرو هستند.

نکته قابل توجه در مورد عوامل سطح بین المللی اتفاق نظر پاسخگویان در مورد تعامل بین اللملی در حوزه آموزش عالی کشور است. به عنوان نمونه یونسکو بین المللی شدن را جزئی از چرخه زندگی دانشگاه‌ها می‌داند و معتقد است که امروزه دانشگاه‌ها در دوره‌ای از زندگی خود قرار دارند که باید برای بقای حیات خود وارد مرحله جهانی شدن قرار بگیرند. Popescu (2015) در استراتژی های جهانی شدن و آموزش عالی در آفریقای جنوبی ؛ جهانی شدن و بین المللی گرایی، ایجاد دانشگاه فراملّی و فرامرزی، افزایش شفافیت و شبکه های دموکراتیزه جهانی در نظام های آموزش عالی و ایجاد همکاری متقابل با ذینفعان و همتایان داخلی و خارجی در نظام آموزش عالی را به عنوان انقلاب پیچیده و یکی از محرکان و روندهای اصلی تغییر و شکل دهی در سیستم های آموزشی در سطح جهانی قلمداد کرد. با آنکه نظام آموزش عالی کشور به نوعی الگو برداری از نظام مشابه دانشگاه های کشورهای توسعه یافته غربی است ولی مسائل روز دانشگاه های کشورهای پیشرو حتی با وجود سرعت روز افزون گسترش پدیده جهانی شدن، در حد قابل توجهی با مسائل روز آموزش عالی ایران تفاوت چشمگیری دارد.

همچنین موضوع روند تغییرات دموگرافیک جمعیت دانشجویی به عنوان یکی دیگر از موضوعات مهم و روندهای تاثیر گذار در آموزش عالی می باشد که مورد تأیید خبرگان برای مشارکت دانشجویان در دانشگاه آینده قرار گرفته است. از جمله این روندها می توان به روند کاهشی جمعیت ۲۴-۱۸ ساله کشور اشاره کرد که پژوهش های انجام شده در سطح ملی نیز کاملا مؤید این روندهاست. روند مهم دیگر که خبرگان به آن پرداختند روند تغییرات تقاضای ورود به دانشگاه مخصوصاً در دوره های تحصیلات تکمیلی می باشد. از نقطه نظر خبرگان با توجه به وضعیت موجود آموزش عالی کشور، تقاضای ورود به دوره های تحصیلات تکمیلی دانشگاه ها از رویکردی عقلایی تر نسبت به وضعیت فعلی برخوردار خواهد بود. پاسخگویان علل اصلی تغییر این رویکرد را در تحلیل منطقی متقاضیان از عدم امکان اشتغال مطلوب دانسته اند. در واقع در یک تحلیل هزینه – فایده جهت ورود به دوره های بالاتر با در نظر گرفتن عواملی چون اشتغال و اقتصاد می تواند تصمیماتی هم چون کاهش تقاضای ورود به دوره های تحصیلات تکمیلی

[Downloaded from mail.journalieaa.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/meo.13.4.91]

از سوی متقاضیان منجر شود. Ferasatkhah (2013) و Montazer & Falahati (2015) و Beheshtirad, (2017) تحولات جمعیت شناختی و قشربندی اجتماعی مانند زنانه شدن، دانشجویان غیرسنتی، دانشجویان شاغل، فراگیران آزاد و هویت های گروهی و قومی در دانشگاه را مهمترین نیروهای پیشران حوزه آموزش عالی قلمداد کردند.

در نهایت ظهور مفروضات جدیدی از تکنولوژی ارتباطات و اطلاعات یکی از لایه های زیرین تحولات در چارچوب نهادی دانشگاه بر اساس رویکرد پسا مدرنیته است. امروزه سیاست گذاری علم و فناوری به سبد سیاستی حکومت ها افزوده شده و دیپلماسی علم و فناوری عرصه جدیدی را در دنیای سیاست به خود اختصاص داده است. کشورها از طریق علم، فناوری و محصولات دانش بنیان نه تنها فرهنگ خویش را همزمان با علم، فناوری و تکنولوژی صادر نموده بلکه با افزایش جاذبه نزد ملل مختلف، قدرت نرم خویش را نیز افزایش می دهند. ما در عصر گذر از جامعه ی صنعت محور به جامعه ی اطلاعات محور یا به عبارت دیگر گذر از دنیای فیزیکی به دنیای مجازی هستیم. اینک اهمیت فناوری اطلاعات و ارتباطات در راستای امکان دسترسی به پهنای باند به منظور افزایش سرعت و دقت به روشنی مشخص است به طوری که استفاده نکردن از آن انزوای کشور و در نهایت حذف شدن از جامعه جهانی را به دنبال دارد. پیشرفت سریع فناوری و فراگیری دانش در عرصه نظام های علمی، زمینه ساز ورود به عصر اطلاعات و تشکیل جوامع دانش بنیان است. این مسئله موجد ایجاد فضای جدیدی در سطح جهانی است که پیچیدگی های خاص خود را همراه می آورد. دانش و فناوری پایه های ارزشی جوامع جدید را می سازند و به عنوان زیربنای توسعه و هدایت جامعه عمل می کنند این بدان معناست که ما در حال حاضر در جامعه دانش به منزله آخرین مرحله از خط سیر یک جامعه پسا صنعتی اطلاعاتی قرار داریم. کشورهایی که به این مهم پی برده اند با درک صحیح از اهمیت جایگاه مدیریت دانش و فناوری و اهمیت ساختارسازی و تحلیل و رصد دائمی عوامل تعیین کننده در این عرصه، خواهان آن هستند که درعرصه جهانی همواره کنشگر باشند. به اعتقاد Kaplan (2012) در عصر حاکمیت تجاری و عدم قطعیت، واکنش کنشگران در سطح دانشگاه باید به کار گیری مکانیسم مقابله بالقوه از طریق ترکیب با تقاضاهای بازار و زدودن شکاف دیجیتالی به عنوان یک وسیله تطبیق با تغییرات محیط در حال شدن همراه با حفظ نقش اجتماعی خود باشد. از نظر دیتور فناوری زیر بنای کنش تغییرات نهادهای اجتماعی و پیشران مهم آینده در همکاری های بین المللی در ظهور جامعه شبکه ای و به طور خاص یک محرک کلیدی در اقتصاد دانش بنیان در جهت تسهیل فعالیت های آموزشی و پژوهشی در نظام آکادمیک و به عنوان یک فرایند مداوم جهت ایجاد مزیت رقابتی در موسسات آموزشی عمل می کند(Finn & et al., 2007).

تجزیه و تحلیل سوال چهارم پژوهش نشان داد که بر مبنای نظرات مشارکت کنندگان، شرایط زمینه ای تأثیر گذار بر دانشگاه آینده با رویکرد دانش افزایی شامل مقوله های « مدیریت حرفه ای و شایسته گرایی»، «قوانین و مقررات آموزش عالی»، « اعتبارات و منابع مالی دولتی » می‌باشد. (Wiseman

[Downloaded from mail.journalieaa.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/meo.13.4.91]

2014) نشان داد که تخصیص بودجه کافی و حمایت دولت، توسعه فنّاوری اطلاعات و ارتباطات نقش مؤثری در دانش افزایی در نظام های آموزشی دارد. Hagg & Scholin (2018) گزارش کردند که توسعه شایسته سالاری و بهره‌گیری از تکنولوژی‌های نوین فنّاوری اطلاعات و ارتباطات زمینه آماده شدن برای آینده را در نظام آموزشی فراهم می‌کند. Kateřina & Jana (2019) سه انگیزه مرتبط برای دانش افزایی را استقلال بیشتر، حقوق بالاتر و فرصت‌های رشد معرفی می‌کنند، از سوی دیگر مهم‌ترین موانعی که مانع ایجاد دانش افزایی در مدیران می‌شود کمبود منابع مالی، ترس از شکست و مدیریت(شرایط) پیچیده می‌باشد، بر این اساس می‌توان به دو دسته شرایط مداخله‌گر اشاره کرد که از یک سو پیشران آینده و دانش افزایی هستند و از سوی مقابل مانع جدی برای این مهم قلمداد می‌شوند. Riter (2020) بیان داشت که نظام های آموزشی فرصت‌های توسعه ای برای مربیان در جهت یادگیری مهارت‌های تجاری و منابع مالی مورد نیاز برای فعالیت‌های دانش افزایی را فراهم نمی‌کنند. عدم مشارکت استراتژیک بین بخش های خصوصی، بخش های دولتی و دولت که به دلیل محدودیت بودجه، فعالیت‌های دانش افزایی را تحت فشار قرار می‌دهد. دانشگاه آینده نیاز به ریسک‌پذیری بالا و توانایی جهت یابی در موقعیت های مبهم نیاز دارند که می‌تواند از طریق شبکه های حرفه ای، مربیان و تأثیرگذارها به دست آید. در این راستا می‌توان بیان کرد که توسعه شبکه‌های ارتباط اجتماعی و پیوندهای علمی با بهره‌مندی از شبکه‌های اجتماعی علمی برای ارتباطات مدیران نظام آموزش عالی به توسعه و رشد حرفه ای مدیران می‌پردازد، در این ساختار اعتماد اجتماعی توسعه می‌یابد و با طراحی مرکز آینده نگری و اینده پژوهی در ساختار نظام آموزش عالی، زمینه الگو برداری از افراد موفق در حوزه دانش افزایی فراهم آورده می‌شود، این ساختار تأکید بر بهره‌گیری از تکنولوژی‌های نوین آموزشی در فضای مدیریتی و توسعه زیرساخت‌های فنّاوری اطلاعات دارد تا بتواند به درستی از شبکه‌های مدیریت مبتنی بر وب بهره‌مند شود. در محیط بیرونی نظام آموزش و پرورش، حمایت مالی دولت و سازمان‌های مرتبط از ایده‌های آینده نگرانه مدیران نظام آموزش عالی و سیاست گذاری دولت در جهت تربیت مدیران از جمله شاخص‌های کلیدی در جهت دانش افزایی هستند.

پیچیدگی روزافزون فعالیت ها و محیط متغیر جهان امروز، همواره به عنوان یکی از چالش های اصلی، دانشگاه های کشور را با چنان دشواری هایی مواجه ساخته است که کوچکترین لغزش و عدم توجه آنها نسبت به مسایل، پیامدهای غیرقابل جبرانی به دنبال خواهد داشت. راهبرد یا استراتژی عبارت است از الگو و طرحی که هدف ها، سیاست ها و زنجیره های عملیاتی یک سازمان را در قالب یک کل به هم پیوسته با یکدیگر ترکیب می کند. همچنین تدوین استراتژی، برنامه جامع و عملی است که جهت گیری های عمده سازمان را معین کرده و رهنمودهایی برای تخصیص منابع در مسیر کسب هدف های بلندمدت ارائه می دهد. با توجه به ضرورت تدوین برنامه راهبردی به دلیل وجود عوامل مهمی از جمله تغییر و تحولات فناوری، اجتماعی و سیاسی، اقتصادی، پیچیدگی محیط خارجی دانشگاه ها، ارتباط گسترده دانشگاه با محیط و گسترش اغلب برنامه ها و درازمدت بودن آنها، الگو های برنامه ریزی راهبردی تدوین شده به

[Downloaded from mail.journalieaa.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/meo.13.4.91]

مسئولین آموزش عالی کمک می کند تا از یک طرف با بررسی وضع موجود، نقاط قوت و ضعف سازمان، فرصت ها و تهدیدهای محیطی و از طرف دیگر با یک نگاه نظام مند، جهت گیری دانشگاه ها را در قالب اهداف آرمانی تدوین کنند و با استفاده از فرایند برنامه ریزی راهبردی، امکانات و منابع را با الویت بندی به سوی اهداف سوق دهند. از آنجائی که یکی از ویژگی های نظام آموزشی آرمانی، تلاش مستمر برای ارتقاء دانش آن است و حرکت بالنده در مسیر آینده نیز در آن باید به رسالتی مهم تبدیل شود، لذا ضرورت دارد این مهم با سیاست های کلان کشور نیز هماهنگ باشد که خود نیازمند تفکر و تعمق بیشتری است.

تجزیه و تحلیل سوال پنجم پژوهش نشان داد که بر مبنای نظرات مشارکت کنندگان راهبردهای دانشگاه آینده با رویکرد دانش افزایی شامل مقوله های« اصلاح ساختار مدیریت نظام آموزش عالی»، « نهادینه سازی آینده پژوهی» می‌باشد. Nurmi & Paasio (2007) در مطالعه‌ای گزارش کردند که راهکار نظام های آموزشی برای آینده نگری، تحول در ساختارهای مدیریتی و رهبری نظام های آموزشی به همراه انعطاف‌پذیری در ساختار و رویه‌های کاری و آموزشی است، Levine, (2009) بیان می‌کند که توسعه دانشگاه آینده نیازمند، رهبری کارآفرینانه با تعهد وسیع به نوآوری، نهادینه کردن استقلال داخلی، حمایت گسترده از کارکنان به منظور توسعه ارتباطات داخلی و خارجی، انعطاف‌پذیری در برنامه‌ها و اهداف خرد و کلان، فراهم آوردن فرصت‌های وسیع برای ایجاد ساختار ماتریسی و افزایش توجه به دارائی‌های نامشهود سازمان است. بر اساس نظر Eyal (2008) کاهش محدودیت و چالش‌های موجود بر سر راه آینده نگری، نظام‌های آموزشی را قادر خواهد ساخت که با دور اندیشی، آینده نظام آموزشی را ترسیم کرده و از طریق تمرکز زدایی، ایجاد شرایط رقابتی در بازار آموزش، تربیت و رشد رهبران نوآور، بسیاری از محدودیت‌های دانش افزایی را بر طرف سازد، Hamilton (2008) راهکار دانش افزایی در نظام های آموزشی را کاهش تمرکز در اداره نظام‌های آموزشی معرفی می‌کند، با این استدلال که پیروی از سیاست‌های آموزش ثابت و غیر قابل انعطاف منجر به بروز مشکلات و ناکارآمدی‌هایی می‌گردد که نظام آموزشی را به چالش می‌کشد و آنها را ملزم می‌سازد تا پاسخگوی مشکلات آموزشی باشند و در این راه چاره‌ای جز پیروی از قوانین و دستورات دولتی ندارند و زمینه بروز خلاقیت و نوآوری برای مواجهه با چالش‌های مطرح شده از آنها گرفته می‌شود. می‌توان بیان داشت که راهبرد استراتژیک نظام آموزش عالی در مدیریت و رهبری اثربخش در جهت هدایت آموزش برای تولید دانش نهفته است، حرکت به سوی دانشگاه در وهله اول نیازمند اصلاح ساختارهای مدیریتی است، در این راستا بهره‌گیری از مدیران با تجربه، خلاق و نوآور، راهبردی اثربخش برای برنامه ریزی منطبق با صنعت و انتقال فنّاوری به نظام آموزش عالی است، مدیران و دست اندرکاران می‌بایست برای وضع قوانین همسو با فرایند آینده نگری تلاش نمایند تا از این طریق فعالیت‌های آینده پژوهی مدیران تسهیل یابد، در کنار این مهم دانشگاه آینده نیازمند نهادینه سازی فرهنگ پیشرو و توسعه

[Downloaded from mail.journalieaa.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/meo.13.4.91]

ای به منظور تشویق نوآوری و ایده‌های خلاقانه است. دانشگاه آینده از طریق بررسی دقیق عوامل محیطی و اجتماعی، اطلاعات خود را درباره محیط، نیازهای جدید ذی نفعان و فرصت‌های آموزشی افزایش می‌دهند و از طریق کاهش ناکارآمدی‌ها، افزایش منابع جدید و ایجاد نوآوری‌های آموزشی منجر به کاهش موانع موجود در مسیر دانش افزایی می‌گردند.

وجود برنامه های راهبردی جهت توسعه حرفه ای دانشگاهی، سیستم ارزشیابی مدون از فرایند برنامه های توسعه آموزش عالی و نگاه متوازن به رشد کیفی در کنار رشد کمّی در درجه های بعدی اهمیت قرار گرفته اند. این عوامل در سطوح درونزا و در حوزه سیاست گذاری های کلان نظام های آموزش عالی قرار می گیرند. برنامه راهبردی یک طرح همه جانبه و تلفیقی است که در آن با نگاهی نظام مند شناسایی و ارزیابی نقاط قوت و ضعف، فرصت ها و تهدیدات محیطی سازمان ، مسیر دستیابی به چشم انداز اصلی تعیین می گردد. گرچه موقعیت برتر برای دانشگاه نتیجه تلاش های برنامه ریزی شده تمامی حوزه ها در نیل به موفقیت های علمی و پژوهشی در سطح ملّی و بین المللی است، لیکن حفظ جایگاه و توسعه فعالیت ها در فضائی از تلاش سازنده و رقابت علمی، نیازمند راهبردها و برنامه های منسجم سالانه و دوره ای است که در این بین، تلاش دانشگاه برای اعمال تغییرات مناسب و نهادینه سازی رویه ها و روش هائی که منجر به توسعه و تعالی در زمینه های مختلف علمی گردیده، قابل توجه است. لذا این مهم با مشارکت تمامی واحدها و مراکز آموزشی و پژوهشی با انجام اموری همچون ارتقاء کمی و کیفی فعالیت های دانشگاه، با رویکرد توسعه ای و با استفاده بهینه از امکانات، نیاز محور کردن فعالیت های دانشگاه در بعد آموزش و پژوهش محور کردن فعالیت های آن بر اساس برنامه های کلان و راهبردی توسعه ای کشور، برنامه محور کردن فعالیت های معاونت ها و واحدهای مختلف در راستای سیاست های دانشگاه محقق خواهد شد. علاوه بر سیاست گسترش کیفی آموزش عالی سیاست کمّی انقباضی یا انبساطی وزارت علوم در زمینه کیفیت نظام های آموز عالی تأثیر ویژه ای خواهد داشت. سیاست های اخیر وزارت علوم در این زمینه شامل تداوم گسترش کیفی سازی و محدود سازی گسترش کمّی، تلاش در جهت الزام گسترش زمینه های نوین علمی و افزایش میزان انطباق دوره های آموزشی با نیازهای واقعی کشور و بخش صنعت از جمله راهبردهایی است که انتظار می رود تداوم آنها ارتقای دانش افزایی و اعتبار علمی آموزش عالی را در آینده فراهم کند. بنابراین تأکید بر تحقق و توسعه فرایند تبدیل دانش به فناوری در دانشگاه های کشور، در راستای تقویت تعاملات دولت، دانشگاه و صنعت در قالب نظام ملی علم، فناوری و نوآوری و در مسیر تسهیل و تسریع فرایند توسعه ملی بسیار ضروری و اجتناب ناپذیر است.

تجزیه و تحلیل سوال ششم پژوهش نشان داد که بر مبنای نظرات مشارکت کنندگان «پیشرفت عملکرد»، «تحکم نقش نظام آموزش عالی» به منزله پیامدهای الگوی دانشگاه آینده با رویکرد دانش افزایی عمل می‌کنند. Kuttim & et al (2014) گزارش کردند که دانش افزایی در دانشگاه می‌تواند عملکرد مطلوب و

[Downloaded from mail.journalieaa.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/meo.13.4.91]

سودآوری را برای آنها به ارمغان آورد. Vitagliano & et al (2008) اعتقاد دارند که جریان آینده در نظام‌های آموزشی با حضور افراد نوآور موقعیتی را فراهم می‌سازد تا در بستر آن، امکان پیشرفت و ارتقاء وضعیت تحصیلی فراگیران، پاسخگویی به نیازهای بازار و حل بزرگترین چالش اجتماعی در نظام‌های آموزشی امکان پذیر باشد. باید بیان کرد دانشگاه آینده با رویکرد دانش افزایی در سطح فردی برای مدیران و اعضای سازمان رضایتمندی و تعلق کاری، برای نظام آموزش عالی توسعه فرهنگ آینده نگری با هدف سرعت بخشیدن به رشد اقتصادی، قانونمند کردن نوآوری، اثربخشی و کارایی، تغییر نگرش به آینده، آماده کردن فراگیران برای ورود به بازار کار، مشارکت اعضای سازمان در مدیریت و رهبری و در نهایت برای جامعه پیشرفت و توسعه را به همراه خواهد آورد.

تعارض منافع/ حمایت مالی

بنا بر اظهار نویسندگان این مقاله هیچگونه تعارض منافع و حمایت مالی ندارد.

منابع

Akhavan, P., & Bagheri, R.A.(2018). *Knowledge management from idea to practice*, Tehran: Ati Nagar publishing house. [in Persian]

Ali, F., Nursyamsi, I & Madris, S (2019). The Effect of Visionary Leadership on Study Program Performance in Lldikti IX Sulawesi, *International Journal of Advanced Engineering Research and Science*, 6(10), 242-248

Amin Bidokhti, A.A., Rastegar, A.A., & Namani, A.(2015). A future study on higher education approaches in training human capital: A plausible scenario for 2030, *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education,* 21(3): 31-55. [in Persian]

Ashilova, M.(2023). The future of the university: four models of development, *Journal of Educational Sciences*, 76(3): 1-11.

Bangani, S.(2018). The History, Deployment, and Future of Institutional Repositories in Public Universities in South Africa, *The Journal of Academic Librarianship*, 44(1): 95-51.

Beheshtirad, R.(2017). *Identifying the shaping factors on the future of Iran's higher education quality assurance system in order to provide a favorable scenario*, doctoral thesis of educational management, Boali Sina University, Hamedan. [in Persian]

Bertaccini, B., Bacci, S., & Petrucci, A.(2020). A graduates ' satisfaction index for the evaluation of the university overall quality, *Socio-Economic Planning Sciences*, 73: 1-12.

Bikzadeh, S., Yousefi SaeedAbadi, R., Safariyan Hamadini, S.(2020). The role of scientific authority and foresight in the development of fourth generation universities in order to provide a model (case study: Mazandaran Universities of Medical Sciences, *Medicine and cultivation*, 29(2): 76-87. [in Persian]

[Downloaded from mail.journalieaa.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/meo.13.4.91]

Brown, M. (2015), June 9th. *Opportunities and threats of the MOOC movement for Higher Education: A European perspective*.Presentation at How Europe Seizes the Opportunities Offered by MOOCs, HOME Pre Conference Workshop, European Distance and e-Learning Network (EDEN) Conference, Barcelona.

Clark, B. (2015).*Complexity and Differentiation: The Deepening Problem of University Integration'*, in D. D. Dill and B. Sporn (eds) Emerging Patterns o Social Demand and University Reform: Through a Glass Darkly, 159–69. Oxford: Pergamon Press.

Clarke, J., & Holt, R.(2017). Imagery of ad-venture: Understanding entrepreneurial identity through metaphor and drawing, *Journal of Business Venturing*, 32(5): 479-497.

Eyal, O.(2008). When Parents Choose to Start up a School: A Social-Capital Perspective on Educational Entrepreneurship. *Journal of Educational Administration*; 46(1): 99-118.

Ferasatkhah, M.(2013). A Conceptual framework for futurity oriented university planning, *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 69, 1-21. [in Persian]

Ferasatkhah, M.(2015). *The future of internationalization of higher education in the world and how Iranian universities creatively face it*, Iran Higher Education Future Research Desk, Institute of Research and Planning in Higher Education, 1-30. [in Persian]

Finn, A., Ratcliffe, J., & Lorcan, S. (2007). *University futures: The direction, shape and provision of higher education in the university of future*. Dublin Institute of Technology, 1- 135.

Genza, G. M., & Musisi, B. (2018). Educational Entrepreneurship (EE): Delineating the Domain and Highlighting its Importance and Feasibility in Educational Management in Uganda. *American Journal of Educational Research*, *6*(1):9-17.

Gibbons, M .(2012). *Globalization and the Future of Higher Education, Globalization: what Issues are at Stake for Universities?* Universite Lavel; Quebec Canada.

Gold, A. H., Malhotra, A., & Segars, A. H. (2013). Knowledge management: An organizational capabilities perspective. *Journal of Management Information Systems*, 18(1), 185–214.

Guo, X., Lin, W.,& Zhu, W.(2020). DKEN: Deep knowledge-enhanced network for recommender systems, *Information Sciences*, 540: 263-277.

Hagg, G., &Scholin, T.(2018). The policy influence on the development of Future Leadership in higher education: A Swedish perspective, *Education + Training*; 60(7): 656-673.

Hamilton, S.W. (2008).*Who will Save Americs Urban Catholic Schools?*, Newyork: Thomas Fordham Institute .

Horng, J.S., Liu, C.H., & Huang, Y.C.(2020). The roles of university education in promoting students' passion for learning, knowledge management and entrepreneurialism, *Journal of Hospitality and Tourism Management*, 44: 162-170.

[Downloaded from mail.journalieaa.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/meo.13.4.91]

Hu, Y.F., Hou, J.L., & Chien, C.F.(2019). A UNISON framework for knowledge management of university–industry collaboration and an illustration, *Computers & Industrial Engineering*, 129: 31-43.

Huang, W., Mao, Y., & Long, K.(2020). Relation classification via knowledge graph enhanced transformer encoder, *Knowledge-Based System*, 206: 1-13.

Irfan M & Malin M (2012). Building Higher Education Scenarios, 2025: A Strategic Agenda for Higher Education Development in SADC, *Sarua Leadership Dialogue series*, 3(2).

Islam, N., Afrin, S., Alif, S. K., Hassan, R., Islam, M. M., Kayani, R. E., & Khan, M. M. (2020). Factors Preventing Entrepreneurship: The Case of University Graduates in Bangladesh. *World*, *11*(1): 1-9.

Kaplan, A. M. (2012). If you love something, let it go mobile: Mobile marketing and mobile social media 4x4. *Business Horizons*, 55(2), 129—139.

Kateřina, K., & Jana, Š. (2019). Factors A ffecting Entry into Future Leadership for University Students. *European Research Studies*, *22*(4):398-416.

Khorshidi Hossini, K.(2020). *Portraying the future university and introducing the best model for higher education*, human resource management doctoral thesis, University of Tehran. [in Persian]

Kuttim, M., Kallaste, M., Venesaar, U., & Kiis, A.(2014). Entrepreneurship Education at University Level and Students' Entrepreneurial Intentions, *Procedia - Social and Behavioral Sciences;* 11024: 658-668.

Lacatuş, M. L., & Staiculescu, C. (2016). Entrepreneurship in Education. In *International conference knowledge-based organization*, 22(2): 438-443.

Levine, M. V. (2009) .*The False Promise of the Entrepreneurial University: Selling Academic Commercialism as an Engine of Economic Development in Milwaukee*., Working Paper in University of Wisconsin-Milwaukee.

Luo, A., Yang, F., & Cheng, H.(2020). EKENet: Efficient knowledge enhanced network for real-time scene parsing, *Pattern Recognition*, 111: 107-117.

Masomifard, M.(2013). *Evaluation of quality and quality excellence in virtual universities*, PhD thesis on distance education planning, Graduate Education Center. [in Persian]

Means, A,J., & Slater, G.(2023).Defending a future university to come, *Review of Education, Pedagogy, and Cultural Studies*, 45(1): 1-3.

Milojević, S. (2014), Augmented reality, the Murabbi and the democratization of higher education: alternative futures of higher education in Malaysia , *on the Horizon*, 22(2), 110-126.

Mitchell ,D. E. & Nielsen, S.Y . (2012). *Internationalization and Globalization in Higher Education, Additional information is available at the end of the chapter* http://dx.doi.org/10.5772/48702.

Mohammadi, R., Fathabadi, J., Yadegarzadeh, Gh,R., Mirza Mohammad, M.H., & Parand, K.(2015). Quality evaluation in higher education, Tehran: Publications of the country's education assessment organization. [in Persian]

[Downloaded from mail.journalieaa.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/meo.13.4.91]

Montazer, Gh.A., & Falahati, N.(2015). Iraninan Higher Education Future Scenarios Drived by Information Technology, *Science and Technology Policy Quarterly*, 7(1):66-47. [in Persian]

Naghdi, M., Shahtalebi, B., & Nadi, M.A.(2020). Identifying the components of education and human capital development in the transition from traditional university to future university in a mixed method, *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*,26(1): 51-75. [in Persian]

Nalda, F.R., Emeterio, M.C., & Arias-Oliva, M.(2022). The strategic influence of school principal leadership in the digital transformation of schools, *Computers in Human Behavior*, 112: 106-117.

Nurmi, P., & Paasio, K.(2007). Entrepreneurship in Finnish universities, *Education + Training*; 49(1): 56-65.

Popescu, F (2015), South African globalization strategies and higher education, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 411-418.

Riter, L. (2020). *Future Leadership: A Narrative Study Examining Professional Transition Experiences of Educators Who Have Experimented with the Launching of an Educational Activity (Doctoral dissertation, Northeastern University).*

Roşca, I.G & Păunescu, C. (2010). Shaping the future of higher education in Romania: challenges and driving factors, *Management & Marketing* 5(1), 57-70.

Sang, L., Xu, M., & Wu, X.(2020). Knowledge graph enhanced neural collaborative recommendation, *Expert Systems with Application*, 164: 415-425.

Schüll, E.(2019). Current trends and future challenges of the Austrian Universities of Applied Sciences, *Futures*, 111: 130-147.

Shafahi, S., Chenari, A.R., Afkaneh, S.(2023). Investigating the Impact of Future Study Development Indicators of Knowledge Management in Islamic Azad Universities of Tehran Province, *Journal of Sociology of Education*, 9(2): 71-87. [in Persian]

SPRING.(2018). *Singapore Accreditation Council, Singapore Standards Productivity and Innovation Board.*

Strauss, A., & Corbin, J.(2014). *The principles of qualitative research method (basic theory; procedures and methods)*, (Translator: Rahmatullah Rahmatpour), Tehran: Humanities and Cultural Studies Research Institute. [in Persian]

Van Damme, D (2020). Trends and Models in International Quality Assurance in Higher Education in Relation to Trade in Education. *Higher Education Management and Policy*, 4(3): 93-13.

Velásquez, R.M., & Lara, J.M.(2021). Knowledge management in two universities before and during the COVID-19 effect in Peru, *Technology in Society*, 64: 101-123.

Vitagliano, R., Borasi, R., Jefferson, F., Che, J., & Miller, D. (2008). *AERA– Division A: Administration, Organization, and Leadership Entrepreneurial Leadership*, Comparing the Practices of an Entrepreneurial Principal and an Education Entrepreneur. Warner School of Education – University of Rochester.

Wiseman, A.W.(2014). Internationally Comparative Approaches to Innovation and Future Leadership in Education, in Alexander W. Wiseman (ed.) *International*

[Downloaded from mail.journalieaa.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/meo.13.4.91]

Educational Innovation and Public Sector Entrepreneurship (International Perspectives on Education and Society, Volume 23, Emerald Group Publishing Limited, pp.3 - 31

Xie, X., Zou, H., & Qi, G. (2018). Knowledge absorptive capacity and innovation performance in high-tech companies: A multi-mediating analysis. *Journal of Business Research*, 88, 289–297.

Zareh, H., & Hejazi, S.R.(2011). Designing a performance evaluation system for academic research commercialization, *Entrepreneurship Development Quarterly*, 3(12): 145-164.

Zolfi Gol, M.A.(2004). Migration of Genes, *Approach Journal*, 34: 22-13. [in Persian]

[Downloaded from mail.journalieaa.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.61186/meo.13.4.91]